
شش نامه سرگشاده

به

حجت الاسلام خامنه‌ای
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
رئیس دیوان عالی کشور
وزیر آموزش و پرورش
آئمه جمعه سراسر کشور
آیت‌ا... محمدی گیلانی

نهضت آزادی ایران

بهار ۶۲

قیمت ۶۰ ریال

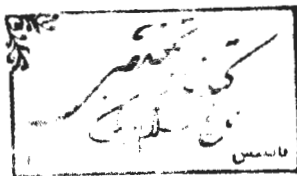
مرکز پخش: دفتر نهضت آزادی ایران
تهران - خیابان استاد مطهری - شماره ۲۳۴ تلفن ۸۳۳۷۵۷

شش نامه سرگشاده
ناشر : نهضت آزادی ایران
چاپ اول ، تیراژ ۱۰/۰۰۰ جلد
بهار ۱۳۶۲
کلیه حقوق طبع محفوظ است . نقل از مندرجات فقط با ذکر نام ماءخذ مجاز
می باشد .



فهرست

مقدمه	صفحه ۴
مهندس بازرگان به آیتا . . . محمدی گیلانی پاسخ می دهد	صفحه ۵
نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به ائمه جمعه سراسر کشور	صفحه ۱۷
نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به وزیر آموزش و پرورش	صفحه ۲۷
نامه مهندس بازرگان به حجت الاسلام خامنه‌ای دبیر کل حزب جمهوری اسلامی	صفحه ۳۵
نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی . .	صفحه ۴۷
نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران پیرامون پیام ۸ ماده‌ای امام به رئیس دیوان عالی کشور	صفحه ۵۵



مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

ولكن منكم امة يدعون الى الخيرو يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكرو
اولئك هم المفلحون .
(آل عمران - ۱۰۴)

جمهوری اسلامی ایران در طی چهار سال گذشته با مشکلات و مسائل عدیده‌ای روبرو گشته که بخشی از آن اجتناب‌ناپذیر بوده و از عوارض جانبی انقلاب بشمار می‌آید . لکن برخی از مشکلات بعلت غفلت و یا ناآگاهی عده‌ای از دست‌اندر - کاران و مسئولین از مسائل و ارائه نداشتن راه‌حل مناسب و نزدیک به صواب ، نه تنها التیام نیافته بلکه بر شدت و وسعت آن نیز افزوده گشته است . نهضت آزادی ایران بنا به فریضه دینی بر مبنای معتقدات اسلامی ، در "دعوت به خیر و امر بمعروف و نهی از منکر" اهتمام ورزیده و در این مسیر ناملايمات بسیاری را متحمل گریده است . گاه راه‌حل را در تذکرات و گفتگوها و نامه‌های خصوصی با مسئولین دیده و گاه آنها را با عموم در میان گذارده ، چرا که نهضت آزادی " ملت ایران " را صاحبان اصلی انقلاب دانسته و آنها را شاهدان عینی بر روند تاریخ می‌شمارد .

این نامه‌ها بتناسب نیاز و مسائل مبتلابه جامعه تهیه گشته و توزیع آنها هر چند بعلت شرایط محدود بوده ولی با استقبال وسیع مردم و علاقمندان مواجه شده و اثرات نسبتاً " مطلوبی نیز در جهت اصلاح روشها بدنبال داشته است . با توجه به استقبال وسیع مردم از این نشریات ، مجموعه حاضر شاملشش نامه سرگشاده تنظیم و در اختیار شما قرار داده میشود .

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

فروردین ۱۳۶۲

مهندس بازرگان آقای عباسی آراء

به

آیت ا... محمدی گیلانی

پاسخ میدهد



بسمه تعالی

روزنامه محترم جمهوری اسلامی

در مصاحبه مخبر آن روزنامه با آیت‌الله محمدی گیلانی مندرج در شماره ۸۵۸ مورخ ۶۱/۲/۲۸ آن روزنامه مطالب خلاف واقعی درج شده است که جنبه افترا و تهمت علیه دولت موقت و جناب آقای مهندس بازرگان دارد. با ارسال یک نسخه جوابیه ایشان انتظار دارد براساس حق و عدالت و قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب نسبت به درج آن در اولین شماره آن روزنامه و در همان صفحه اقدام بفرمائید.

با وجودیکه مسئولان آن روزنامه جوابهایی را که قبلاً "براساس قانون مطبوعات ارسال شده است درج نکرده‌اند، ما باز هم به وظیفه اسلامی و قانونی خود عمل میکنیم و انتظار داریم فطرت خداجو و حق‌طلب مسئولان آن روزنامه هرچه زودتر بخود آید و به وظایف انسانی و عادلانه و قانونی خود گردن‌نهند. زیرا اگر روزنامه‌ای که ارگان حزب حاکم جمهوری اسلامی است به قانون عمل نکند و خود الگو و اسوه‌ای برای معیارها و ارزشهای اسلامی نباشد از دیگران چه انتظاری میتوان داشت - دوصد گفته چون نیم‌کردار نیست ...

دفتر مهندس مهدی بازرگان

۹ خرداد ماه ۱۳۶۱

بسمه تعالی
آیت‌الله جناب آقای شیخ محمد محمدی گیلانی
رئیس و حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب مرکز

پس از سلام و دعای توفیق آنجناب در آنچه رضای خدا و خدمت بخلق است زحمت افزا می‌شوم :

مصاحبه‌ای در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ بسا جنابعالی شده بود که قسمتهایی از آن اشاره و ارتباط بدولت موقت و شخص اینجناب داشت . از آنجا که صیانت قضات شرع از اظهارات خلاف حق و از اطلاعات خلاف حقیقت، وظیفه ملی و دینی همه بوده، و برای سلامت و امنیت جامعه ضرورت دارد تا کسانی که باید مدافع سرسخت حقوق و حیثیت افراد و تعزیرکننده مفتریان و متعدیان باشند دچار جو زدگی اشتباه و افترا نگردند ، لازم دیدم بمصدق "فذكر فان الذکری تنفع المومنین" توضیحات و تصحیحات ذیل را باستحضارتان برسانم و ضمناً خواهش کنم (براساس قانون مطبوعات مورخ ۵۸/۵/۲۵ مصوب شورای انقلاب که مطبوعات را ملزم به درج جواب و دفاع متهم‌شدگان و توهین‌شدگان مینماید) روزنامه مصاحبه‌گر تاکید فرماید برطبق ماده ۱۵ و ۱۶ آن قانون متن این نامه را در اولین شماره خود چاپ کند . قبلاً از اینکه بیانات جنابعالی لااقل لحن معقول و منطقی داشته است تشکر و اظهار امیدواری مینمایم .

در مصاحبه پس از ادای بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم چنین فرموده‌اید : " از آغاز پیروزی انقلاب و شکل‌گیری دولت موقت جناب آقای بازرگان یا اشتباه‌درکار بوده یا املا و دیکته از بیگانگان و تعمدی در کار بوده که تلاش میشده سبادهای انقلابی با حیل‌هایی تضعیف شوند، بلکه از بین بروند، یکی از این سبادهای دادگاه‌های انقلاب بوده است . شاید یادتان باشد که خیلی تلاش از طرف دولت

موقت میشد که اساس دادگاههای انقلاب مثلا "برچیده بشود و یا سپاه پاسداران جمع شود ."

ذیلا " با اجازه شما نسبت به هر یک از موارد اتهامات غیر وارد و خلاف حق توضیحات و شواهدی می آورم :

۱ - گمانی که گناه است .

جناب آقای حاکم شرع و رئیس دادگاههای انقلاب مرکز چگونه این فرض یا احتمال را بدهن وزیران خود راه داده اند که املاء و دیکته ای از بیگانگان در کار دولت موقت بوده باشد در حالیکه شورای انقلاب و شخص امام علاوه بر تصریح به اعتماد و اطلاع از سوابق ایمان و مبارزات ملی و اسلامی نخست وزیر منتخب خود و تصویب فرد فرد وزراء ، همکاری نزدیک با دولت موقت و استحضار و مشاوره منظم و نظارت مستمر بر افکار و اعمال آن داشته اند؟ امکان چنین غفلت و اجازه چنان املاء و دخالت را چگونه توجیه میفرمائید و آیا قابل تصور هست و نمونه و شواهدی دارید که دولت موقت حيله گر یا عالما " عامدا " اشتباهکار بوده است ؟ هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین .

درست است که اتهامات فوق را که در پیش مردم و نزد خدا بسیار سنگین و پرمکافات است بضرر قاطع وارد نکرده احتمال داده اید ولی آیا همین بدگمانی از مصادیق مسلم "ان بعض الظن اثم" نیست ؟ آیا سزاوار است کسی در مقام و موقعیت جناب عالی به پیروی از جو سیاسی حاکم و تبلیغات رائج، بدور از علم و یقین و بدون ارائه مدرک و برهان اصل قرآنی "ان الظن لایغنی من الحق شیئا" را زیر پا گذاشته بزرگترین تهمت را بکسی و بکسانیکه تنها حرمان اعتماد و اجابت دعوت رهبر عالیقدر و شورای انقلاب بوده است وارد سازد ؟

۲ - دولت موقت و دادگاههای انقلاب .

خواهش میکنم بفرمائید چه تلاشی از طرف دولت موقت برای برچیدن اساس نهادهای انقلابی از قبیل دادگاههای انقلاب و سپاه پاسداران و یا جهاد

سازندگی بعمل آمده بود ؟

شاید جنابعالی استحضار ندارید که اصل فکر و درخواست‌کننده و پیشنهاد دهنده، اساسنامه نهادهای نامبره دربالا دولت موقت بوده است ؟ و دولت از هر فرصتی برای تأیید و تقویت و تزکیه آنها استفاده کرده است .

آیا در تجدید ترکیب هیئت دولت برای رفع تعدد مراکز تصمیم‌گیری و احتراز از تعارضات اجرائی ، اصرار از طرف اینجانب بعمل نیامده بود که یکی از حضرات موسوی اردبیلی و دکتر بهشتی عضو دولت شده وزارت دادگستری و سرپرستی دادگاههای انقلاب را تواما " عهده‌دار گردند ؟ کاری که بعداً " و در قالب شورای قضائی انجام گرفت .

وظیفه دادگاههای انقلاب طبق نظر امام و اساسنامه مصوب شورای انقلاب تعقیب و محاکمه و کیفر مباشرین و آمرین کشتارهای دوران انقلاب و غارتگران بیت‌المال بود و تنها حرف دولت بنا بمسئولیت خطیری که بعهدہ‌اش گذاشته شده ، و مورد تأیید و دستور کتبی امام نیز قرار گرفت ، این بود که احضار و بازداشت کارکنان دولت با اطلاع و همکاری وزیران مسئول انجام شود تا با پیش‌بینی‌های لازم ، وقفه و اخلال در اداره امور مملکت در آن شرایط سخت پیش نیاید ، نه آنکه دادگاهها بکلی تعطیل گردند .

حقیقت امر و جریان واقعی کار درست عکس آنچیزی است که به عمد یا به جهل شایع ساخته دولت موقت را مماشات‌کننده یا ضدانقلاب و مدعی دادگاههای انقلاب قلمداد نموده‌اند . علاوه براین دولت اصرار داشت که دادگاههای انقلاب کار اصلی خود را روی رسیدگی به عناصر و جریانات " ضد انقلاب " که بعد از پیروزی انقلاب دست بکار تخریب و براندازی جمهوری اسلامی میزدند متمرکز سازد . جنابعالی می‌توانید به نامه مورخ ۵۸/۲/۱۵ دولت موقت بعنوان رهبر عالیقدر انقلاب و شورای انقلاب مراجعه فرمائید ، آنجا که نوشته و مصرا " خواسته بودیم : " دادگاه انقلاب به اتهام عناصر ضد انقلاب که حالیته داشته و سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی را تهدید میکنند با تقاضای دولت جدا رسیدگی نماید و قاطعیت ابراز دارد " .

۳- دولت موقت و سپاه پاسداران .

همانطور که گفته شد اصل فکروپیشنهاد دهنده و تشکیل دهنده سپاه پاسداران دولت موقت بوده و همواره مورد تایید و حمایت قرار داشته است من باب مثال چند مورد را ذکر میکنم :

در سخنرانی اینجانب در استادیوم ورزشی تبریز در ۵۸/۱/۴ در مورد سپاه چنین آمده است :

" این پاسداران انقلاب ، اینهایی که از وقتشان ، از راحتی شان از همه چیزشان میگذرند و همچنین با جان و دل و با میل و رغبت و با محرومیت پاسداری و همکاری میکنند واقعا لذت میبریم " .
در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران در ۵۸/۴/۱۱ چنین گفته ام :

" ... بعنوان کسی که خودش را دوست و ملت را مدیون و ممنون شما میداند آدمم با شما صحبت کنم . باید این انقلابی که تا اینجا رسیده است بدوش امثال شماها و دیگران بازهم ادامه پیدا کند . یعنی بازهم همکاری باشد ، هم با دولت و هم با رهبری . دولت مامور خدمت و انجام وظیفه است . باید با آن همکاری کرد ، در آن خط آمد و آن راه را گرفت ، برای اینکه راه ما (راه دولت) راه امام ، راه شورای انقلاب و راه انقلاب و راه اسلام است " .
" بنا براین کلمه واحد ، رهبر واحد و در ذیل آن باید یک محور باشد . دو محور و سه محور ، یعنی پاسداران به روش خودشان ، کمیته‌ها به روش خودشان ، مراجع تقلید به روش خودشان ، جبهه ملی به روش خودشان ، دادگاهها به روش خودشان ، این نمیشود ، باید روشها یکی باشد . یعنی با توجه به ضرورت حالت حاضر انقلاب که دوران سازندگی است کوچکترین تشستی و تفرقه‌ای و اختلافی و کوچکترین عدم همکاری و عدم پشتیبانی از این محور و از این راه سقوط ما است .

بنابراین شکر خدا بخاطر نعمت دیدار و اطلاع از جمعیت و

تشکیلات و اتحادی که دارید، امتنان و دعای پیروزی و توفیق
برای شما دارم ."
از کجای این سخنان "توطئه و یا حیل‌هایی برای تضعیف سپاه" استنباط
می‌شود؟

۴- دولت موقت و جهاد سازندگی .

درباره جهاد سازندگی، مگر این دولت موقت نبود که طرح آنرا تهیه و
پس از تصویب امام آنرا بمرحله اجرا گذارد؟ و تمامی کوشش و تلاش خود را
برای موفقیت جهاد سازندگی در تحقق برنامه‌های معقول و حساب‌شده‌اش بکار
می‌برد؟

در پیام مخصوصی که در ماه‌های اول تشکیل، اختصاصاً "در مورد جهاد
سازندگی تهیه و از رسانه‌های گروهی منتشر شد چنین گفته‌ام :

بسم الله الرحمن الرحيم

والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سلنا وان الله لمع المحسنين"
دروود بر شهدای جهاد سازندگی که در مرحله‌ی دوم انقلاب با
هدف ساختن جامعه توحیدی جان برکف نهاده شربت شهادت
نوشیدند .

سلام بر همه خواهران و برادران دانشجو و دانش‌آموز که با شور
و اشتیاق الهی و انقلابی خود، برای خدمت به برادران و خواهران
محروم در روستاهای دورافتاده کشور مشغول خدمت‌گردیدند .

سلام بر همه هموطنانی که پیروزی مرحله سازندگی انقلاب را نیز
همانند مرحله تخریبی آن ارج نهادند و بدنبال و ازگون ساختن
نظام ظلم، برای برپاداشتن نظام عدل جهاد کرده‌اند . با آرزوی
توفیق برای همه گروه‌های اجتماعی که در این نهضت مقدس با
اخلاص و ایثار همکاری و مجاهدت نمودند .

تسلیت و تهنیت دولت به تمام خانواده‌هایی که جوانانشان در

این جریان شربت شهادت نوشیده‌اند و یا خدمات و یا خسارات مختلفی را متحمل گردیده‌اند."

سیس گزارش کوتاهی از آنچه که در آن مدت (۵ ماه بعد از آغاز برنامه - ریزی برای جهاد و سه‌ماه بعد از دعوت امام) انجام شده بود بشرح زیر ارائه داده شد :

۱ - بکلیه ادارات و سازمانهای دولتی ابلاغ شد که همکاری صمیمانه و تامین وسایل مورد نیاز جهاد سازندگی را درحد امکانات خود بنمایند .

۲ - بکلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی ابلاغ شد که برای انتقال کارمندان داوطلب دولت به جهاد سازندگی موافقت نمایند .

۳ - به ارتش جمهوری اسلامی خصوصا تاکید شد در همکاری و تامین پرسنل و وسائل و تجهیزات مورد درخواست طرحهای سازندگی علاقمند باشند و همینطور هم شد .

۴ - تصویب و ارسال ۲۰ میلیون تومان برای هر استان کلا " مبلغ چهارصد و هشتاد میلیون تومان .

۵ - تصویب مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار برای نیازهای ضروری روستاها از طریق جهاد سازندگی .

۶ - در اختیار قراردادن آنقدر از اعتبار مربوط به درآمد یکروز نفت که جهاد سازندگی میتواند در هر استان جذب کند .

۷ - ایجاد شوراها و دفاتر جهاد سازندگی در استانها با کمک و همکاری نمایندگان امام و نمایندگان دولت .

۸ - تهیه اسانامه جدید جهاد سازندگی که اجازه توسعه و سرعت فعالیتهای برنامه‌ها و طرحهای آنرا بنحو بهتری ممکن میسازد .

۹ - ایجاد سازمان لازم برای چاپ مجله جهاد سازندگی که هدفش پیوند بیشتر دادن مردم شهرها و روستاها توام با انگیزش و آموزش در جهت هدفهای جهاد سازندگی و آگاه کردن مردم از

فعالیت‌های انجام شده است .

۱۰ - دریافت حدود ۳ میلیون تومان از طرف مردم برای کمک به امور جهاد سازندگی .

۱۱ - اعزام هزاران خواهر و برادر جوان دانشجو و غیر دانشجو به روستاها و نقاط کشور . "

و بالاخره در پایان همین گزارش آمده است که :

" بنابراین امیدوارم که جهاد سازندگی خود را بنحوی سازمان دهد که بتواند موثرتر از هر زمان دیگر با اجرای طرح‌های عمرانی بپردازد، قادر به استفاده از کلیه منابع مالی و انسانی موجود گردد. برای این منظور هم از کارمندان محترم و همکارانم در ادارات و هم از داوطلبین و دانشجویان عزیز و فداکار علاوه بر تشکر، دعوت میکنم که برادروار و واقع‌بینانه یکدیگر را پذیرفته و تحمل نمایند و با همکاری صمیمی و منظم و منضبط و با تلاش خود، هرگونه عدم تفاهم و عدم ارتباط سازنده را از میان بردارند . و با ایجاد کمیسیونهای مشترک ادارات و جهاد سازندگی در هر سطح کشور از مرکز تا شهرستانها سعی کنند، نقشه اجرایی‌استفاده از وسایل و منابع قابل استفاده را مورد ارزشیابی و برنامه‌ریزی قرار دهند . و بامید خداوند و با وحدت هماهنگی لازم و بدور از هرگونه دخالت مخرب، در جهت رفع نیازهای مملکت گام بردارند . بامید ایجاد و استقرار کامل جمهوری اسلامی و جامعه سراسر حرکت و برکت و برادری . "

مجموعه سخنرانیها و پیامها و مصاحبات رادیو و تلویزیونی اینجانب جمع‌آوری شده و در دسترس میباشد و در صورت تمایل و درخواست یک نسخه ارسال خواهد شد . با مطالعه این اسناد هر آدم منصفی قضاوت میکند که در آنها کمترین مطلبی که بتواند توجیه‌کننده بیانات خلاف واقع جنابعالی باشد وجود ندارد . بلکه بالعکس .

۵ - عدالت اسلامی و دادگاهها .

اما مسئله کلی‌تر که عوامل بروز و توسعه و تشدید درگیریهای مسلحانه و خرابکاریها چه بوده، لازم است تذکر دهم که نهضت آزادی ضمن آنکه همواره اعمال ضدانقلاب و تروریسم و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را منع و محکوم کرده، دعوی و درخواستی جز این نداشته است که قانون اساسی و احکام قصاص بدور از تعدی از حدود الهی و از تلافیگری و تجاوز و تفریط اجرا گردد، آیه شریفه "ولایجر منکم سنن ان علی الاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی" فراموش نشود و وصیت مولای متقیان درباره ضارب خودش نصب‌العین باشد که فرمود مبادا بیهانه و با فریاد "قتل امیرالمومنین" متعرض کسان و همفکران او بشوید و در معادله‌بندی قصاص جلوتر از آن بروید. در هر حال ورود در این بحث که چگونه انصاف و تقوی باید رعایت شود و تا چه حد خصومت و خشونت موثر و قابل قبول میباشد احتیاج تام به امنیت قضائی، جو سالم اسلامی و وجود آزادی بر طبق قانون اساسی دارد.

ضمناً انقلابی عمل کردن یا نکردن در گذشته که بطور درست عنوان فرموده‌اید، تا آنجا که ارتباط با دولت موقت پیدا میکند موضوع سخت پیچیده، گره‌خورده به اختلافات و اغراض و انحرافات شده است که قاعدتاً تصدیق میفرمائید مبنای رسیدگی و ملاک قضاوت نسبت به آن، چیزی جز متن و منطوق فرمان مورخ ۱۳۵۷/۱۱/۱۵ امام‌بعنوان اینجانب و قوانین و مصوبات حاکم در آنزمان نمیتواند باشد.

در هر حال بنده بنام اسلام و ایران، اتهامات بی‌اساس و سب و دشنامها و تحریکات غیر اسلامی و اخلاقی که مدتها است علیه دولت موقت و نهضت آزادی ایران و اینجانب، در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و برخی مدارس، مساجد، منابر و خطبه‌ها برخلاف ابتدائی‌ترین موازین اسلامی و اخلاقی و اصول قانون اساسی راه افتاده و متهمین و مظلومین از بدیهی‌ترین حق دفاع مشروع و جواب قانونی محروم میباشند، را رد کرده به جنابعالی نیز در مورد مطالبی که در ابتدای نامه آمده و قاضی خود مدعی شده است، گله و اعتراض داشته و

به احکم الحاکمین که رب العالمین و مالک یوم الدین است وکالت میدهم .

والسلام علی من اتبع الهدی

مهدی بازرگان

۸ خردادماه ۱۳۶۱

نامه سرگشاده

نهضت آزادی ایران

به

ائمه جمعه سراسر کشور

بسمه تعالی

عن جابر بن عبدالله قال : رسول الله (ص) الا اخبركم بشرار رجالكم ؟ قلنا بلی یا رسول الله فقال : ان من شرار رجالكم البهات الجری الفحاش . . .

از جابر بن عبدالله روایت شده است که پیامبر گرامی اسلام از ما (اصحاب) پرسید آیا علاقمندید بدترین افراد اجتماع را بشما معرفی کنم ؟ پس از آنکه ما پاسخ مثبت دادیم پیامبر (ص) فرمود : بدترین کسیست که بسیار افترا بدهد ، بی باک ، فحاش و هرزه گو باشد . . .

(اصول کافی جلد ۳ کتاب الایمان و الکفر)

حضرات علماء اعلام و حجج اسلام ائمه جمعه سراسر کشور دامت توفیقاتهم

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

شاید با دیدن روایتی که در آغاز این نامه سرگشاده آمده حدس میزنید که محتوای نامه گرد چه محوری بنا شده و مسئولیت آقایان در برابر این محتوی چیست . آری سخن از مسئولیت خطیر ائمه جمعه و روحانیت متعهد در برابر عمل غیراسلامی و خلاف قانونی است که بطور مستمر در برخی از مراسم سیاسی عبادی نماز جمعه پیش چشم آقایان و دولتمردان و مسئولان کشور انجام میگردد . قبل از شروع ، باید بگوئیم هدف ما از نوشتن این نامه سرگشاده ، علاوه بر استفاده از حق الهی و مشروع فریاد برآوردن که خدایتعالی برای همه ستمدیدگان فائل شده است (۱) ، جلوگیری از بدعتی است که توسط عناصری مغرض یا ناآگاه در مراسم نماز جمعه آغاز گردیده است . ما وظیفه اسلامی خود میشمیم که در برابر این بدعت ایستاده ، آنچه از کتاب و سنت در این باره میدانیم بدیگران

بازگو کنیم تا مشمول لعنت خدای نگردیم . (۲)

ما طی ملاقاتهای خصوصی و تماسهای برادرانه‌ای با مسئولان امر بویژه با حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تا آنجا که ممکن بوده است بوظیفه خود اقدام و توصیه بحق نموده‌ایم . همچنین طی نامه مورخ ۶۰/۱۱/۲۰ به اتهامات خلاف واقع دادستان انقلاب مرکز درپیش خطبه نماز جمعه تهران (۹ بهمن ۶۰) به مقامات قضائی شکایت نموده‌ایم .

آقایان حجج اسلام : امت دلبر و رزمنده ما سالها در انتظار روزی بود که بتواند ، آزادانه در نماز سیاسی - عبادی جمعه شرکت کند و با شتافتن بسوی ذکر خدا (۳) و کمک گرفتن از نیروی منکر برانداز نماز (۴) ، همگام و همدل ، بمصالح دینی و دنیائی خود آشنا شده همچون دیواری استوار در برابر مظاهر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی استبداد داخلی و استیلای خارجی بایستد . اعلام اقامه نماز جمعه از طرف رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در نیمه اول ۱۳۵۸ بامامت مجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی پاسخی بآرزوی دیرینه این ملت رنج‌دیده و تحقق آرمان همیشگی تشیع سرخ علوی بود که با استقبال کم‌نظیر روبرو شد . از دوران امامت آیت‌الله طالقانی نماز جمعه میقات همه عاشقان ذکر خدا ، علاقمندان باصلاح جامعه و رهروان راه انقلاب اسلامی و براستی نیروی دشمن شکن در برابر عوامل ضدانقلاب و قدرتها و ابرقدرتها درآمدوامام جمعه نماینده امام میان مردم ، رابطه منطقی میان امام و دولت و جامعه ، بازگو - کننده دردهای اجتماعی ، منعکس سازنده پیشنهادات مردم به مسئولین کشور ، توضیح‌دهنده مشکلات دولتمردان بمردم و در یک جمله عامل هم‌آهنگ‌کننده و وحدت‌آفرین در جهت مصالح دولت و ملت گشت .

باید بگوئیم که اگر چه نماز جمعه توانسته است نقش موثر خود را در حفظ وحدت در جهت مبارزه با عوامل ضدانقلاب و ابرقدرتهای شرق و غرب بویژه آمریکای جهانخوار و ارتش مزدور بعثی عراق ایفا کند ، متأسفانه ، در برخی از این مراسم سب و لعن مؤمنین و فحش و تهمت بآنان کاری متداول گشته و نماز وحدت‌آفرین جمعه از این جهت به کانون تفرقه و ایجاد نفرت تبدیل شده‌است .

در این مراسم ، در خلال سخنرانی‌های پیش از نماز و حتی خطبه‌های امام جمعه شعرهایی که محتوی سب و لعن و تهمت به مؤمنین است توسط گروهی معدود داده میشود .

رهبر عالی‌قدر انقلاب راجع به خطبه‌های نماز جمعه در تحریر الوسیله فرموده‌اند :
بر امام جمعه واجب است در خطبه‌ها حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر و توصیه بتقوی کند (۵) . بدیهی است سکوت امام جمعه در برابر عمل حرام و تفرقه‌افکن سب و لعن مؤمن اگر عامل تشویق‌کننده تلقی نشود ، لااقل ، دلیلی بر جواز این عمل شمرده خواهد شد .

وقتی در نمازهای جمعه ، که قرار است بلندگوی اعلام ارزشهای والای الهی باشد ، معیارهای اسلامی اینچنین گستاخانه زیرپا گذاشته شود آیا میتوان از برخی مسئولین وزارت آموزش و پرورش که نوجوانان دبستانی و دبیرستانی را بدون آنکه آشنائی و آگاهی داشته باشند وادار به سب و لعن مؤمنین میکنند جز این انتظار داشت ؟

پاسداران شریعت : آیا توجه دارید که در برخی از نمازهای جمعه به کسی دشنام میدهند که در دوران استبداد و الحاد شاهنشاهی نمساز و اسلام را بدانشگاه آورد و در این راه همکار و همگام مرحوم طالقانی اولین امام جمعه پس از انقلاب بود . امام امت نیز به "ایمان راسخ بمکتب اسلام (۶)" اعتماد داشته و با "اعتماد به دیانت و امانت و حسن نیت مشارالیه از زحمات و خدمات طاقت‌فرسای ایشان (۷)" قدردانی کرده‌اند ؟ آیا با این سوابق کسی میتواند تردید کند که شعرهایی که علیه آقای مهندس بازرگان و همکارانشان داده میشود چیزی جز سب و لعن مؤمن می‌باشد ؟ آیا آنانکه چنین شعرهایی میدهند مصداق روایت جابر بن عبدالله نیستند ؟

شاید بفرمائید ایستادگی در برابر شعاردهندگان کاری آسان نیست و مصالح سیاسی اقتضای آن دارد که در برابر این عمل خلاف نایستیم . عجبا در نماز جمعه‌ای که امام و سایر فقهای امامیه بر لزوم طلب آموزش برای مردان و زنان مؤمن تاکید نموده‌اند (۸) مؤمنان مورد تهمت ، سب و لعن قرار میگیرند

و امام جمعه‌ای که موظف است شجاعانه از حق پشتیبانی کرده و با باطل‌ستیزد در برابر این عمل ساکت میماند. ما بدون آنکه بخواهیم در ماهیت مسئله و هویت شعاردهندگان و مشوقین آنان وارد شویم توجه آقایان را بنظر امام امت در مورد شرایط خطیب نماز جمعه جلب می‌کنیم. رهبر انقلاب در این باره فرموده‌اند: سزاوار است خطیب نماز جمعه، علاوه بر بلاغت، بدان درجه از شجاعت رسیده باشد که از ملامت کشیدن در راه خدا و اظهار حق و مبارزه با باطل نهراسد (۹).

خوشبختانه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران در خطبه نماز جمعه ۶۱/۳/۷ شجاعانه به این وظیفه اسلامی عمل نمودند که موجب امیدواری است.

آقایان خود بهتر از هرکس میدانند که این شعار پراکنی‌ها و جوسازی‌های دشمن شادکن جریان طبیعی خود بخودی نداشته از تلقین و تحریک‌های افراد معدود خاص و از تبلیغات مغرضانه یکجانبه سرچشمه میگیرد.

حضرت آیت‌الله منتظری نیز نگرانی خود را از دادن اینگونه شعارها ابراز داشته و از بکار نیستن توصیه‌های ایشان در مورد جلوگیری از این شعارها اظهار عدم رضایت فرمودند.

علاوه بر فتوای امام و نظر آیت ا... منتظری قانون اساسی جمهوری اسلامی آقایان را موظف میسازد که در برابر زیرپا نهادن اصل بیست‌ودوم قانون اساسی که میگوید "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند" لب به اعتراض گشوده اجازه ندهند در ملاء عام و در جایی که باید ذکر خدا و قانون حاکم باشد اینگونه ارزشها و معیارهای اسلامی و اصول قانون اساسی منبعث از آن پایمال شود.

جناب آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۱۳ رجب امسال به مناسبت میلاد مولای متقیان علی (ع) اظهار داشتند هدف ایجاد حکومت علی (ع) میباشد. ما اطمینان داریم هر فرد مسلمان بویژه افرادی که سالها قربانی مظالم حکومت ظلم طاغوت بوده‌اند هدفی جز این ندارند. در این رابطه

ار ائمه محترم جمعه می‌پرسیم آیا در هیچ منع تاریخی خوانده‌اید که در نماز جمعه‌هایی که با امامت علی (ع) برگزار میشد مؤمنی مورد سب و لعن قرار میگرفت؟ تا آنجا که ما در نهج‌البلاغه خوانده‌ایم علی (ع) نارضائی خود را از دشنام گوئی حتی به عنصری چون معاویه و یارانش اعلام داشته و توصیه فرموده است بجای این کار به نقد و انتقاد و ارزیابی و معرفی کارهای آنان بپردازند و هدایت آنان و وحدت مسلمین را از خدا بطلبند . (۱۰)

بدیهی است این روش سازنده و الهی با شیوه‌های مخرب و خصمانه‌ای که از طریق مکاتب الحادی در انقلاب ما رخنه کرده و علیه نهضت آزادی ایران به کار گرفته میشود کاملاً متفاوت است .

در اینجا باید بگوئیم برادران نهضت آزادی افراد جدیدالاسلامی نیستند که خواسته باشند به بهانه انقلاب و با عنوان اسلام عقده‌های انتقامشان را ارضا نمایند . اینها در اعتقاد و اجرای اسلام از زمان و مکانی راه افتاده‌اند که قیام به نماز و حجاب و قرآن ، استقبال از استهراة و اخراج و انزوا بود . مسجد و جمعه و قرآن ، خانه‌ها و نهادهائی است که قبلاً خاموش و خلوت بود و نهضتی‌ها از زمان رضاخان ، بعد از کودتا در دوران نهضت ملی شدن نفت ، در مبارزات نهضت مقاومت ملی و در خود نهضت آزادی در مدرسه و مسجد و اداره و زندان با همکاری شخصیتهای روحانی چون طالقانی و مطهری و استاد شریعتی جوانان مملکت را بسوی آنها سوق دادند . همین‌ها بودند که از چهل سال پیش باین طرف با استدلال و اصرار منادی تبعیت و الهام سیاست از دین بوده تدوین - کنندگان جهان‌بینی اسلامی و ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر قرآن‌گشتند و موسس حزب سیاسی منبعث و مجری‌اسلام شدند . و روزگاری قدم در این وادی مقدس گذاردند که دخالت روحانیت در این امور خلاف تقوی و تقدس شمرده میشد . به غرب‌زده هستند و نه علم‌زده بلکه در لباس غرب و در لسان علم از آزادی و استقلال ایران و از حقانیت اسلام و اصالت وحی دفاع کردند .

با توجه بوظائف خطیر ائمه جمعه در ابطال باطل و اظهار حق انتظار مرود آقایان محترم نه تنها رخصت به سب و لعن این‌گونه افراد در نماز جمعه

و در مساجد و یای منابر ندهند بلکه مدافع و مبلغ کسانی باشند که کهنه‌سالکان طریق و دل‌بستگان خط‌خدا هستند .

کسانیکه سابقه اجتماعی و مبارزات سیاسی دارند بخوبی تشخیص می‌دهند که جو مسموم فعلی و تبلیغات یک‌جانبه وسیع و ناجوانمردانه‌ای که علیه نهضت آزادی‌ایران میشود بیشتر از سوی دشمنان انقلاب اسلامی و آنانکه میخواهند نشان دهند اسلام قادر به اداره جامعه نیست ریشه میگیرد و هدفی جز انتقام و انهدام باغبانان و خدمتگزاران نهال آزادی و اسلام واقعی را ندارند . دعای ما این است که با نوشتن این نامه سرگشاده بتوانیم بوظیفه اسلامی خود در جلوگیری از سب و لعن مؤمنین در نماز جمعه که سنتی اموی است و مسلماً "یزمان حاضر و اشخاص فعلی محدود و منحصر نخواهد ماند جلوگیری کنیم . امیدواریم شما نیز بگفته ما بدیده خوش‌بینی بنگرید و اطمینان داشته باشید که در این راه جز خیر و سعادت امت اسلامی که خود جزئی از آنیم چیزی نمی‌خواهیم .

در اینجا از فرصت استفاده کرده اعلام میداریم در صورتیکه آقایان ائمه جمعه از عملکرد نهضت آزادی ایران و شخصیت‌های وابسته بآن قبل از پیروزی انقلاب و بعد از آن، ایراد، اشکال یا سئوالی داشته باشند، ما آماده‌ایم در جلساتی که بدین منظور از طرف آقایان تشکیل شود حضور پیدا کرده ضمن توضیح و بحث و گفتگو از رهنمودهایتان بهره‌گیریم .

بهرحال ، انقلاب اسلامی ما موهبتی الهی است که پس از قرن‌ها مجاهدت و مبارزه، در این زمان بثمر رسیده است . بهره‌برداری ما از این موهبت در گرو مبارزه با بی‌تقوائی‌ها، خودخواهی‌ها، کینه‌توزیها و بدعت‌گذاری‌ها است . اگر ما نتوانیم در برابر این عوامل فساد و انحراف ایستادگی کنیم براساس سنت الهی، این موهبت به مایه‌نکبت و بدبختی مبدل خواهد گشت و مکارم اخلاق که پیامبر آنرا علت بعثت خود دانسته‌است (۱۱) ناپدید خواهد شد و خدای نخواستہ نماز جمعه ما همچون نمازهای جمعه دوران خلفا وسیله اعمال سیاست و حفظ قدرت زورمندان خواهد گشت . مسلمانان این تجربه تلخ را برای چهارده

قرن آزموده و سزاوار نیست پس از ۱۴۰۰ سال شکست و محرومیت مجدداً این راه پر خطر را بپیمایند .

براین پایه است که ما از ائمه جمعه سراسر کشور بویژه امام جمعه تهران انتظار داریم که از سنت سیئه سب و لعن مؤمن که عملی خلاف شریعت و قانون است جلوگیری فرموده با راهنمایی و ارشاد خود این رفتار غیر اسلامی را ریشه کن سازند .

توفیق آقایان را در دفاع از حق و ابطال باطل و خدمت به انقلاب و ملت از خدایتعالی خواستاریم .

ربنا لاترغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و هالنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب (۱۲) .

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

۸ خردادماه ۱۳۶۱

-
- (۱) لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم (سوره نساء آیه ۱۴۸)
 - (۲) اذا ظهرت البدع في امتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله (اصول کافی جلد اول کتاب فضل العالم)
 - (۳) اذا نودي للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا الى ذكر الله (سوره جمعه آیه ۹)
 - (۴) الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر (سوره عنكبوت آیه ۴۵)
 - (۵) يحب في كل من الخطبتين التحميد و يعقبه بالثناء عليه تعالى . . .
و الصلاة على النبي . . . و الايضاء بتقوى الله في الاولى . (تحریر الوسیله امام خمینی جلد اول صفحه ۲۳۳)
 - (۶) فرمان امام در انتصاب مهندس باررگان بنخست وزیر
 - (۷) نامه امام بشورای انقلاب در مورد استعفاء مهندس باررگان
 - (۸) تحریر الوسیله امام خمینی جلد اول صفحه ۲۳۶
 - (۹) و ينبغي ان يكون الخطيب بليغا . . . شجاعا لا يلومه في الله لومة لائم ،
صريحا " في اظهار الحق و ابطال الباطل (تحریر الوسیله همان صفحه)

- (۱۰) انی اکره لکم ان تکونوا سیابین . . . (نهج البلاغه خطبه شماره ۱۹۷)
- (۱۱) قال رسول الله (ص) انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق
- (۱۲) خدایا دلہای مارا پس از ہدایت شدن بیاطل راہ مدہ و ما را از رحمت خود بہرہ مند ساز کہ تو بسیار بخشندہ ای (سورہ آل عمران آیہ ۸)

نامه سرگشاده

نهضت آزادی ایران

به

وزیر آموزش و پرورش

بسمه تعالی

قال رسول الله (ص) سباب المومن من فسوق و قتاله كفر . . .
پیغمبر (ص) فرمود : دشنام گوئی به مومن ناپکاری
(بی ایمانی) است و جنگیدن با او کفر است . . .
(اصول کافی جلد سوم کتاب الکفر والایمان)

جناب آقای علی اکبر پرورش

وزیر محترم آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم، مدتی است در مراسم دعای صبحگاهی و نماز های ظهر و عصر و بمناسبت های مختلف در برخی از مدارس تهران و شهرستانها ، جوانان و نوجوانان دانش آموز را وادار به سب و لعن مومنین و دادن شعارهای ناهق و آکنده از تهمت و افترا علیه آقای مهندس بازرگان و بعضی همفکران ایشان مینمایند که در مواردی با اعتراض دانش آموزان و یا اولیاء آنان روبرو شده است . این عمل ، آنهم در محیط آموزش و پرورش که انتظار میرفت بعد از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی مرکز و محور مبارزه با ارزشهای دوران جاهلیت شاهنشاهی و کانون آموزش ارزشهای والای اسلامی باشد ، تخلف آشکار از موازین شرعی و تجاوز از اصول مصرحه در قانون اساسی است .
چنین روشهایی هیچگونه جایی و راهی در اسلام ناب و اصیل ندارد .
هرگز خداوند در قرآن مجید چنین رخصتی به مومنین نداده است و هرگز در دوره رهبری رسول الله (ص) و یادردوران خلافت امام علی (ع) چنین روشهای عادی و جاری در انقلابهای غیرالهی معمول و مجاز نبوده است . آنچه تاریخ

بما نشان میدهد آنست که در دوران خلافت پنجساله مولای متقیان علی (ع) هرگز اجازه داده نشده که پیروان آنحضرت در نمازهای جمعه، در مسجد کوفه و یا در جای دیگر مومنین را که سهل است حتی دشمن را سب و لعن کنند. برعکس در نهج البلاغه ما می‌خوانیم که علی (ع) با اصرار و تاکید بر اسلام ناب به پیروان خود توصیه می‌کند که من دوست ندارم شما از سایبین باشید (۱) تاریخ بما می‌گوید که برخلاف روشهای الهی امیرالمومنین علی (ع)، در قلمرو حکومت معاویه اصرار و تاکید بر آن میشد که مومنی چون علی (ع) را با آنهمه سوابق در خدمت باسلام و جهاد در رکاب رسول اکرم (ص) سب و لعن کنند و این حکومت معاویه بود که با جو سازیها و دروغ پردازیها و تهمت و افتراء بر مومنین آنچنان امر را حتی بر مسلمانان ساده اندیش مشتبه ساخت که وقتی حضرت علی (ع) در محراب با شمشیر یکی از خوارج، که خود قربانی آن جو سازیها و محصول سیاسی کاریهای معاویه بود ضربه خورده و به شهادت میرسد، همان مردم ناآگاه و جو زده و سب و لعن کنندگان علی (ع) با تعجب می‌پرسند مگر علی (ع) هم نماز می‌خواند!؟

جناب آقای وزیر: آنچه در قلمرو آموزش و پرورش رخ میدهد قانونا و شرعا شما مسئول آن هستید، مسئول در پیشگاه ملت و مسئول در پیشگاه خدا. روزی از شما سؤال خواهد شد که شما به چه مجوزی و با کدام معیار اسلامی اجازه دادید که در محیط تربیت جوانان و نوجوانان مملکت، چنین اعمال منکری صورت گیرد و شما هم ناظر و با سکوت خود عملا تایید کننده آن باشید. فرض کنیم که جو سازیهای سیاسی موجود علیه امثال آقای مهندس بازرگان یا اشخاص دیگری که بعدا در برنامه قرار گیرند آنچنان باشد که شما نیازی به پاسخگویی به مردم را احساس نکنید اما شما که معتقد به خدا و قیامت هستید جواب خدا را چه خواهید داد؟

(۱) من دوست ندارم شما از دشنام دهندگان باشید (خطبه ۱۹۷ نهج البلاغه فیض الاسلام)

در جمهوری اسلامی هدف از تعلیم و تربیت فراهم ساختن مقدمات حرکت و هدایت آدمی در صراط مستقیم خدمت و محبت به انسان و جهان و پرستش پروردگار سبحان و تسهیل معراج او به کمال انسانی است و از این رو تعلیم و تربیت در ادامه و امتداد رسالت پیامبران می‌باشد!

موسسات وابسته به آموزش و پرورش، دبستانها و دبیرستانها بایستی جایگاه تزکیه و تربیت نسل جدید اسلامی و نوع دوستی و رحمت و آزادی باشد. ستون اصلی انقلاب فرهنگی، بمعنای واقعی آن یعنی تزکیه نفوس بایستی در مدارس صورت گیرد. زدودن رسوبات فرهنگ جاهلی دوران طاغوت و استبداد شاهنشاهی، تعصبات گروه گرایانه سیاسی و تقدم مصلحت حکمرانان بر مصالح ملت و مملکت از اذهان جوانان، آموزش استقلال فکر و اندیشه و شخصیت و شکل‌گیری ارزشهای والای توحیدی، بازگشت به فطرت خداگونه انسان همه باید در محیط‌های آموزش و پرورش صورت گیرد. حال آیا براستی تصور می‌کنید روشهای تخریبی تفرقه و تلقین نفرت و دشمنی، سب و لعن، دروغ و افتراء به مومنین و اادار ساختن جوانان و نوجوانان معصوم و بی‌خبر به چنین منکراتی می‌تواند موجب تزکیه نفس و رشد مکارم اخلاق و زدودن تعصبات جاهلانه مرسوم در فرهنگهای غیر توحیدی شاهنشاهی و یا الحادی و مارکسیستی گردد و یا موجب رشد شخصیت جوانان و تقویت تعهد آنان به اسلام و ایران شود؟

جناب آقای پرورش! خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله
کسانی را که مردم را به غیر خدا دعوت می‌کنند سب نکنید .
(سوره انعام آیه ۱۰۸)

اما در آموزش و پرورش زیر نظر و کنترل شما و دوستانتان، جوانان و نوجوانان را وادار می‌سازند به مومنین خدا و کسانی که سالهای دراز عمرشان را در داخل و خارج مملکت به ارشاد جوانان و معرفی اسلام اصیل بآنان صرف

کرده‌اند سب و لعن کنند و تهمت و دروغ و افتراء بآنان امر رائج و نردبان ترقی شده است .

مسئله این نیست که چرا به خادمین اسلام و ایران این چنین بی‌محابا و بدور از کمترین تقوای اسلامی زشت‌ترین نسبت‌ها را می‌دهند و دردعاهای صبحگاهی و شعارهای روزانه آنانرا سب و لعن می‌کنند ! نه مسئله مهم ما این نیست . آنها که به خدا معتقدند و او را احکم الحاکمین می‌دانند از این‌گونه برخورد های غیراسلامی و روشهای جاهلیت شرک‌آلود و کفرآمیز ترس و یا نگرانی ندارند . برادران نهضت آزادی افراد جدیدالاسلامی نیستند که خواسته باشند به بهانه انقلاب و با عنوان اسلام عقده های انتقامشان را ارضا نمایند . اینها در اعتقاد و اجرای اسلام از زمان و مکانی راه افتاده‌اند که قیام به نماز و حجاب و قرآن ، استقبال از استهزاء و اخراج و انزوا بود ، مسجد و جمعه و قرآن ، خانه ها و نهادهایی است که قبلا خاموش و خلوت بود و نهضتی‌ها از زمان رضاخان ، بعد از شهریور ۱۳۲۰ ، در دوران نهضت ملی شدن نفت ، بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد و در مبارزات نهضت مقاومت ملی و در خود نهضت آزادی در مدرسه و مسجد و اداره و زندان و تبعید و آوارگی ، در داخل و خارج کشور با همکاری شخصیت های علمی چون طالقانی و مطهری و استاد شریعتی و سردار رشید اسلام دکتر چمران ، جوانان مملکت را بسوی ارزشهای والای اسلامی سوق دادند . همین ها بودند که از چهل سال پیش باینطرف با استدلال و اصرار منادی تبعیت و الهام سیاست از دین بوده و تدوین‌کنندگان جهان بینی و ایدئولوژی سیاسی مبتنی برقرآن گشتند و موسس حزب سیاسی منبعث و مجری اسلام شدند . و بهمین دلیل هم از همان آغاز حرکت انواع و اقسام تهمت ها ، دروغها و افتراءات علیه اینان از چپ و راست آغاز شده و ادامه یافت . آنروزی که اولین نمازخانه در دانشکده فنی بروی دانشجویان مسلمان گشوده شد انجمن های اسلامی دانشجویان پایه‌ریزی گردید ، و اولین سخنرانیهای مذهبی در معرفی اسلام اصیل و پاک شده از خرافات اعصار ، به دانشجویان و جوانان روشن ضمیر آغاز گردید دشمنان اسلام چه آنه‌ها که متولیان

قدرتهای سیاسی و اجتماعی بودند و چه حزب توده و گروههای مارکسیستی که رشد جریان اسلامی منبعث از دانشگاه را بنفع خود نمی‌دیدند علیه نهضتیه‌ها بسیج شدند و انواع تهمت‌ها را بر ما وارد ساختند. حزب توده که در شکل دادن به افکار جوانان ما یکه تاز میدان و از استقبال جوانان و دانشجویان به اسلام راستین نگران و ناراحت بود بار نشریات وابسته بخود ما را پان-اسلامیست‌های وابسته به سفارت آمریکا معرفی کرد و راست‌گرایان غرب‌زده‌ی محصول دوران بیست ساله استبداد رضاخان همراه با مرتجعینی که دین را دکان خود ساخته بودند، ما را بناحق علم زده و غرب‌زدگانی که می‌خواهیم "سیاست" را به مساجد ببریم معرفی کردند و مرحوم طالقانی را "آخوند سیاسی" و مهندس بازرگان را علم زده و... که باید منزوی شوند قلمداد نمودند. بعد ها نیز که حرکت فکری شریعتی اعماق روح نسل جوان تشنه حقیقت جامعه ما را متأثر ساخت و اثرات شگرفش ظاهر شد از همه طرف مورد حمله و هجوم انواع تهمت‌ها قرار گرفت و کمتر فحش و تهمتی بود که از جانب وعاظ السلاطین و یا به تعبیر امام "آخوند های درباری" که دعاگویان و پاسداران نظام شاهنشاهی بودند نثار این متفکر بزرگ اسلامی نگردد.

آن تهمت‌ها و حملات با همه ناجوانمردیها و حق‌کشیهای که همه ناظر آن بوده‌ایم چندان غیرمنتظره و تاسف‌آور نبود اگر آنروزها گروههای وابسته به چپ و یا راست، هم سو وهم جهت شده و بر جریان اسلامی منبعث از دانشگاه و نهضتی‌ها چنان اتهاماتی را وارد می‌ساختند تاسف آور نبود زیرا جز آن انتظاری نمی‌رفت اما با نهایت تاسف امروز جامعه اسلامی ما شاهد این است که در برخی مدارس و نهادهای وابسته به آموزش و پرورش جمهوری اسلامی چنین منکرانی بنام "اسلام" و زیر پوشش "مکتب" صورت می‌گیرد و وزیری که بر این موسسات کنترل و نظارت دارد با سکوت خود عملاً تاییدکننده این منکرات شده است؟

خداوند متعال با رحمت و اسعه خود نه تنها مومنین را از سب مشرکین و ماتریالیست‌ها و مارکسیست‌های ملحد و یا دنیا پرستان و متکاثرتین دنیاگرا

منع نموده است بلکه حتی دستور فرموده آنهایی را که از این گروهها قدم از اعتقاد شخصی فراتر نهاده و به تبلیغ الحاد و شرک در میان مردم می‌پردازند سب نکنید . شگفتا در جمهوری اسلامی ایران گروههای الحادی از این دستور رحمت آمیز الهی بهره‌مند شده آزادانه نشریات خود را چاپ و منتشر مینمایند و از برکت جمهوری اسلامی از تعرض مصون هستند اما پرسابقه‌ترین خدمتگزاران به اسلام و ایران مورد زشت‌ترین اتهامات قرار میگیرند؟ جناب آقای وزیر : انقلاب و جمهوری اسلامی ایران با قبول و تاکید بر اسلامی بودن ، تعهدبزرگی در برابر خدا و ملت ایران و مردم جهان برعهده گرفته است . اعمال منکری که در برخی مدارس و مساجد و نمازهای جمعه علیه مومنین صورت میگیرد با معیارهای اصیل اسلامی فرسنگها فاصله داشته و نمونه‌ای آشکار از پای بند نبودن بدین تعهد است .

آموزش اسلام اصیل و تاسیس حکومت علی (ع) کجا ! و شیوه سب و لعن و دروغ و تهمت و جو سازی علیه خدمتگزاران باسلام و ایران کجا !
آیا تهمت و لعن و سب مسلمانانی که صداقت و ایمان و خدمت آنان به ایران و اسلام مورد تصدیق امام و امت بوده است میتواند برنامه خودسازی و تربیت سیاسی دانش‌آموزان معصوم ، مشوق پشتیبانی آگاهانه و حمایت از برابری ، راستی و عدالت و موجب پرورش نسلی حق‌طلب و حق‌پذیر باشد ؟ آیا اینگونه رفتارهای غیراسلامی خواهد توانست باعث اعتلاء و بهبود روابط مهرآمیز و تفاهم و وحدت بین مومنین و مسلمانان و تشویق روحیه حق‌شناسی نسبت به خدمتگزاران به دین و مملکت و ملت گردد ؟

آیا تابحال اندیشیده‌اید که اگر گروهی موفق شوند مردم را نسبت به کسانی که سابقه مبارزات و خدمات اسلامی سالیان دراز آنها در داخل و خارج کشور بر همه آشکار است بدبین نموده و از این اشخاص هتک حرمت و حیثیت بنمایند ، سرنوشت دولتمردانی که مردم ما آشنائی و اطلاعی از سوابق اسلامی و یا سیاسی آنها ندارند چه خواهد بود ؟ اگر موفق شوند با ترور شخصیت افراد سوابق و خدمات آنها را مخدوش سازند - که هرگز نخواهندتوانست -

به چه دلیل مردم ما به کسانی که اسلامی و انقلابی بودند نشان بعد از پیروزی انقلاب نمایان شده و تاکنون امتحان شایسته‌ای نداده‌اند اعتماد کنند ؟
از ما به‌پذیرید که این جوسازیها و این روشهای تخریبی غیراسلامی ولو چند صباحی قدرت سیاسی گروهی را تثبیت‌کند ، به نفع استقرار و استمرار جمهوری اسلامی ایران نیست و نهایتاً تنها و تنها به نفع دشمنان انقلاب اسلامی ایران خواهد بود .

جناب آقای پرورش : لازم بود ما این نامه را زودتر و پیش از تعطیل مدارس برای شما می‌فرستادیم . از همان اولین روزهایی که این روشهای تفرقه و تحریک سب و لعن مومنین در مدارس آغاز گردید ما مصمم براین کار بودیم . اما در ابتدا تصور می‌کردیم که شاید برنامه خاصی درکار نباشد و این شیوه‌ها ، نتیجه اعمال نظر اشخاص منحرف و مغرض که در آموزش و پرورش نفوذ کرده و یا عناصر صادق ناآگاه باشد و تصور می‌کردیم که با بودن شما در آموزش و پرورش جلوی این کارهای تخریبی و نظائر آن گرفته خواهد شد و نیازی به تذکر و اعتراض و اقدام به انجام وظیفه شرعی امر بمعروف و نهی از منکر نخواهد بود ، اما ادامه و گسترش بخشنامه‌گونه این روشها در مدارس ، با شعارها و محتوای واحد شیوه‌های یکسان بما نشان داد که چنین تصویری درست نبوده است لذا برآن شدید ولو آنکه دیرهم باشد به وظیفه توصیه بحق خود اقدام نمائیم . و این تذکرات را برسبیل " فذکر فان الذکر ی تنفع المومنین " بدهیم . امیدواریم که شما به گفته ما بدیده خوش‌بینی نگریسته و این تذکر را بطور مقتضی به کلیه مسئولان وزارت آموزش و پرورش منتقل فرمائید اطمینان داشته باشید که ما در این راه جز خیر و سعادت امت اسلامی چیزی نمی‌خواهیم .
توفیق جنابعالی را در دفاع از حق و منع باطل و خدمت به انقلاب اسلامی و ملت زجر دیده ایران از خدایتعالی مسئلت داریم .

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

۱۹ خردادماه ۱۳۶۱

نامه

مهندس بازرگان

به

حجت الاسلام خامنه‌ای

دبیرکل حزب جمهوری اسلامی

بسمه تعالی

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدعلی خامنه‌ای
دبیر کل محترم حزب جمهوری اسلامی

با حمد خدای سبحان ، درود بر پیغمبران و شهیدان و صالحان و با تجدید سلام و دعای عافیت و توفیق برای آنجناب ، بار دیگر زحمات افزا میشوم .

این نامه را نه بریاست جمهوری و شخص جنابعالی بلکه به دبیرکل حزب جمهوری اسلامی مینویسم . سلام و گلایه و اعتراض بحزب زیر نظارتان دارم . حزبی که هنوز نفهمیده‌ام چرا از روز تاسیس سرناسازگاری و بی‌لطفی (وبعدا بی‌انصافی) نسبت بدولت موقت و نهضت آزادی و اینجناب داشته‌اند ، در صورتی که نظر شهید دکتر بهشتی در مذاکراتی که سال قبل از پیروزی انقلاب با آقای دکتر سبحانی و بنده برای ورود در سیاست و تشکیل حزب داشتند ترکیب و توسعه نهضت آزادی ایران بود .

فعلا از گذشته و از نوش و نیش‌های سوابخیر حرفی نزنم با احار همان تنها دوجریان را پیش میکشم و جنابعالی را قاضی میکنم . یکی سرمقاله ۶ اردیبهشت ۱۳۶۱ ارگان حزب تحت عنوان "آیا سزاوار است" و چاپ نکردن جواب آن که خواهش نموده بودیم شخصا ملاحظه و اقدام خدایسندانهای که خود بپسندید بفرمائید (۱) . جریان دوم که ناروا تر از اولی است اینکه اجازه داده‌اند در چهارشنبه شب دوم تیرماه جاری شخصی که خودتان بهتر از بنده بسوابقش آگاهی دارید در مجلس عزای ماه رمضان برای تجلیل از شهدای هفت تیر حزب وبدون آنکه مناسبتی در کار بوده و خیر و رحمتی نثار ارواح آنان بشود

(۱) - نامه شماره ۲۱/۴/۱۴۹ مورخ ۶۱/۴/۱۲

علیه نهضت آزادی و دولت موقت سخن پراکنی کدائی یا "عقده تکائی" بنمایید!

جنابعالی در آن شب حضور نداشته با احتمال قوی فرصت تماشای پخش تلویزیونی را هم نگرده و شاید ندانید چه قلب حقایق و ایراد اتهامات و تحریکات بعمل آمد!

* * *

بسیار ناگوار و باعث تأسف است در ایامی که ملت و دولتماندان درگیر مسائل سرنوشت ساز مملکت و در حال مشکلات تاریخ ساز انقلاب و جهان هستند و هر فرد یا گروه باید با تمام وجود مشارکت و قبول مسئولیت بنماید هر چند گاه فکرها و وقتبهای صرف حواشی بی‌خاصیت و دفع اباطیل و حملاتی میشود که جنبه خصوصی یا گروهی دارد و دیگران مطرح مینمایند. چه کنیم که ایادی و افرادی دست‌بردار نبوده با نقشه منظم و برنامه مستمر از راههای اغوا و انحراف و افتراء به ایجاد جو بدبینی و بدخواهی، یعنی به تفرقه ملت و تخریب مملکت میپردازند. اگر چیزی نگوئیم هم بلحاظ دفاع نفس که وظیفه هر مظلوم در برابر ظلم است مسئول خواهیم بود و هم بلحاظ دفاع از حق و حقیقت و حقوق مشابه دیگران، که وظیفه مهمتری در برابر خلق خدا و انقلاب و تاریخ است، مقصر میشویم. بعلاوه خود شما اگر چنین ناسزاها را میشنیدید چه میکردید؟

بعد از آن شب نه تنها دوستان اینجانب بلکه هر شنونده یا خواننده بیطرف که آگاه از واقعیتها باشد از خود میپرسد چه نقشه و هدفی در کار است و غرض سخنران که میگفت اعضاء اولین دولت بعد از پیروزی انقلاب و مسئولین آن زمان آدمهای زرنگی بوده و ارث نظام شدند تا حکومت لبرالیزم و دموکراسی را بوجود آورند و امریکارا راضی کنند، چیست. بعلاوه چگونه و بدستور چه کسی این زرنگها روی کار آمدند؟

جوانان و گردانندگان حزب جمهوری اسلامی آیا از امثال جنابعالی و آقای هاشمی رفسنجانی نشنیده‌اند و نمیدانند که انتخاب و انتصاب نخست‌وزیر و تشکیل دولت موقت نه روی زرنگی و فرصت‌طلبی و زمینه چینی ما بوده است

و نه به پیشنهاد و تقاضای اینطرف . همانطورکه در مصاحبه‌ای اشاره فرموده بودید نظر و تصویب خود آقایان مخصوصا امام به این امر تعلق گرفته بود . خط مشی و برنامه دولت موقت نیز رهنمود امام با انشاء شهید مطهری و توشیح ایشان صادر گردید . در آن فرمان آیا تصریح به اطلاع از سوابق مبارزات ملی و اسلامی و اعتماد کامل نشده بود ؟ پسوند " دموکراسی " بر عنوان جمهوری اسلامی که بهانه تهمت و توهین های سخنران آنشب و مغرضین متعدد دیگر شده است مگر در اساسنامه مصوب شورای انقلاب در جلسه مورخ ۱۷ بهمن ۵۷ برطبق نظر شهید دکتر بهشتی نیامده بود ؟ مگر رهبر انقلاب در مصاحبه های مکرر نجف و پاریس مکرر نفرموده بودند که حکومت اسلامی یک نظام جمهوری و دموکراسی است ؟ علاوه بر اینها مگر در طول مدت نه ماه مسئولیت چندین بار اعلام نکرده بودیم که علاقه و اصرار باین مقام نداشته هر زمان که رهبری انقلاب و شورای انقلاب کمترین نارضایتی داشته باشند یا راه حل های بهتر بنظرشان بپاید بیدرنگ کنار خواهیم رفت ؟ آمدنمان و ماندنمان زرنگی بود یا " تکلیف شرعی " که از طرف امام ارجاع و اصرار میشد ؟

اگر این جریانها حقیقت است چرا باید در مرکز حزب بگذارند (یا بخواهند) چنان اکاذیب بیان گردد و صدا و سیمای جمهوری اسلامی آنها را پخش کند ؟ و چرا یک جوانمرد مسلمان از میان آقایان برخواست که بحکم " ولاتکتبوا الشهاده و من یکتبها فانه اثم قلبه " شهادت بحق بدهد ؟

آیا نمیایستی در برابر این یاوه سرائیها جواب داده میشد که با صغری و کبری چیدنهای سفسطه آمیز خود ، رهبر انقلاب و یاران برگزیده او در شورای انقلاب را بدنام و شریک اصلی جرم میکند ؟ آیا واقعا شما آقایان چه زنده ها و چه رفته ها گول ما ها را خورده بودید یا با سپردن کار بدست امثال ما تعزیه گردان آمریکا شده بودید ؟ ...

در نه ماه عمر دولت موقت کدام اتخاذ موضع سیاسی و اقدام اساسی بود که بدون اطلاع و نظارت و تصویب آقایان صورت بگیرد یا از شوری و رهبری انقلاب که ارتباط متقابل منظم معتمر داشتیم پرده پوشی شود ، تا چه رسد

که ساخت و پاخت با خارجی بکنیم . انصاف و شهامت داشتن و شهادت بحق دادن هم خوب چیزی است .

یقینا خاطرتان هست و صورت جلسه های نزد آقای دکتر شیانی گواهی میدهد که سه جلسه شورای انقلاب در حوالی شهریور ۵۸ اختصاص به بحث و بررسی سیاست خارجی یافت و آقای دکتر یزدی در گزارش پیشنهادی هیئت دولت روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران را منقسم و معطوف به سه دسته (کشورهای ۱) ابرقدرت ها (۲) غیرمتعهد ها و متفرقه و (۳) مسلمانها نمودند که مورد تایید و تصویب قرار گرفت . فقط در مورد کشورهای مسلمان بعضی از آقایان و مخصوصا شهید دکتر با هنر توصیه و تاکید بتوجه و توسعه بیشتر داشتند ولی شوری کمترین اظهار نظر و ایرادی نکرد که روابط خارجی ما در کلیه موارد بر مبنای استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران با دوستی و احترام متقابل نسبت بحقوق طرفین باشد و در مورد ابرقدرتها سیاست موازنه منفی مرحوم دکتر مصدق باشعار "نه شرقی و نه غربی" انقلاب را تعقیب نمائیم .

آیا با امریکا ما جز به روش "کجدار و مریز" که کلام و جواب امام بسؤال ما در خرداد ۵۸ پس از آنکه سفیر پیشنهادی آنها را نپذیرفتیم بود ، عمل کردیم ؟ فکر نمیکنم گزارش مفصل چهار ساعته را که آقای دکتر یزدی بعد از مسافرت کوبا و سازمان ملل متحد و بعد از مذاکرات با وزرای خارجه کشورهای مختلف از جمله امریکا در شورای انقلاب داد و حاکی از معرفی روح انقلاب اسلامی ایران و مطالبه حقوق سیاسی و مالی ما ، تحویل گرفتن سلاحهای خریداری شده قبلی و تصفیه حساب سپرده های باقیمانده نزد امریکا بود ، فراموش کرده باشید . در آن جلسه چهار ساعته شورای انقلاب و دولت که در نخست وزیری تشکیل شد آقایان جز تایید و تشویق عکس العمل دیگری نداشتند . این مطلب را هم یقینا از همانموقع بخاطر دارید که وزارت خارجه دولت موقت بمحض اطلاع از قصد امریکا به انتقال شاه بهانه معالجه و پیش از آنکه در هیچ سخنرانی یا راه پیمائی و شعاری مطرح شده باشد اعتراض شفاهی و کتبی نموده رسماً خواهان برگرداندن شاه و فرح گردید .

با این اوصاف چه انصاف است که چنان داستانهای دروغ و نفاق آور درباره
اما درحزب شما سرداده شود !

* * *

البته یک سخنور حرفه‌ای با چم و خم‌های هنرپیشگی می‌تواند بسهولت
از آسمان وریسمان حوادث بافته وقایع مختلف و اشخاص مخالف را سرهم کرده
حقایق را وارونه جلوه داده بیدریغ و بیشرمانه وانمود کند که :

– ملاقاتها و مذاکرات رسمی علنی که با همه نمایندگان خارجی از جمله امریکا
انجام میگرددیده و کار جاری هر دولت است زدویندهای پشت پرده و گزارش-
گری با امریکا بوده است .

– امنیت مملکت در آن مدت و حرکتهای سازندگی همراه با عدم تعرض و توطئه
های آمریکا نشانه سازشکاری و مزدوری است .

– عمل ما انهدام انقلاب و سرشکستگی اسلام در جهان بود برنامه پیش ساخته
برای مهار نمودن اسلام و کندکردن شمشیرهای اسلام داشته‌ایم (یعنی
علی را هم که در پنج سال خلافت جز برای دفاع در برابر حملات داخلی
شمشیر نزده و قشونی بمرزها نفرستاده است باید ضد اسلام و ضد رسول الله
دانست) .

– خلاصه آنکه دولت موقتی‌ها بدتر از بنی امیه و نهضت آزادیها لیبرال بودند ،
لیبرال بمعنای بی‌خدا و خادم غریبها ...

در نظر سخنران منتخب حزب ، اسلام کسانیکه در بحبوحه اختناق داخلی
و اتحاد خارجی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ ، علیه زر و زور و تزویر قیام
کرده " شیعه صفوی و شیعه علوی " نوشته محاکمه و زندانشان بخاطر " چرا با
استبداد مخالفیم " و بدلیل خلع ید از شرکت نفت انگلیس و اعتراض عمومی
برضد قرارداد کنسرسیوم نفت بود ، اسلام شاه عباسی و ناصرالدینشاهی
و آمریکائی میشود ! ..

پناه میبرم بخدا ! سبحانک اللهم هذا بهتان عظیم !

پنجاه بخدامیرم چون نه شورای قضائی و بازرسی کل کشور ترتیب اثر به اعلام جرمهای ما میدهند ، نه دادگاه انقلاب که قاضیش مدعی است دادرسی میکنند و نه حق و وفا در این جمهوری حاکمیت دارد . یقین دارم غیر از خدای حکیم علیم مردم ایران و دنیا و تاریخ نیز قضاوت خواهند کرد .
اما بفرض که ما خائن بودیم آیا امام و شما هم خواب بودید ؟ چطور گذاشتید ما چنین جنایات عظیم را انجام دهیم و چرا اصرار به نگاهداشتن ما داشتید ؟ !
نمیگویم از ما بلکه از خودتان ، از رهبری انقلاب و از انقلاب دفاع فرمائید .

با این ترتیب برای چه کسی در کشور جمهوری اسلامی و در حزب جمهوری اسلامی حیثیت و امنیت باقی میماند ؟
در حزب جمهوری چرا بجای دولت موقت جریان کلاهیها ، کشمیریها و فخار کرمانی ها که چگونه آمدند و رفتند و کارداران و سفرای مکتبی که چگونه انتخاب شدند و به پناه دشمنان رفتند ، مطرح نمیگردد ؟ آیا دولت موقت دیناری از بیت المال به اجانب داد یا قرارداد و بیانیهای برخلاف مصالح مملکت و تصویب مقامات قانونی امضاء کرد ؟

* * *

در نشریه ای بنام " ایران و اسلام " تجزیه و تحلیل منطقی مستندی کرده گفته بودم که (اکثریت مبارزین مسلمان و فعالین دوران انقلاب) و بنده بعنوان فریضه دینی و ملی وظیفه خود را " خدمت به ایران از طریق اسلام " میدانستیم اما سخنران " صدیق " نظریه ام را علیرغم متن موجود بصورت " اسلام در خدمت ایران " تحریف نموده سند دیگری علیه ما ساخته است . ما از پیشنهاد ایشان که حزب جمهوری یک میلیون نسخه از آن نشریه را چاپ و منتشر نماید استقبال مینمائیم تا هم سوء نیت مشارالیه آشکار شود و هم اعضاء حزب محترم و مردم مملکت که دید دلشان فقط از یک کانال تغذیه میشود بر مبنای

منطق و قرآن آنرا بررسی و قضاوت صحیح بنمایند .

* * *

همه این ادعا و تحریکات و اتهامات برای شاعر مسلکهای مجلس آراء کار ساده‌ای است . الشعراء يتبعهم الغاوان الم ترانهم فی کل وادیهیمون . یک فردی که تیمسار رئیس ستاد کودتای ۲۸ مرداد و استاندار نایب‌التولیه طاغوت را مالک اشتر شاه لقب میدهد و جواب مثبت به رفراندوم " انقلاب شاه و مردم " را فریضه دینی در مجله آستان قدس تلقی و تلقین مینماید و در روزگاری که ورق برمیگردد چاپلوسی و غلو تملقش رهبر انقلاب را به اعتراض وامیدارد ، اقتضای طبیعتش این است که به قدح و دشنام کسانی بپردازد که زمانی متهم و مطرود مبارزین و مسلمانان بوده و به نشستن پای منبرشان در مسجد هدایت و خواستن مقدمه یا چاپ کتابهایش افتخار و اتکاء مینمود .

هیچ گفتاری در دنیا آسانتر و درعین حال کثیف‌تر از بدنام کردن و تهمت زدن نیست . سهولت و سرعت میشود فضای مجلس یا کشوری را مسموم نموده برای نشو و نماي تخم های کینه و خصومت و برای اشاعه فحشاء و فساد مساعد ساخت .

کمتر کاری هم مانند غیبت پیش خدا و خلق مورد بغض و نفرت است . وقتی حق حضور و امکان دفاع یا ارتباط با جامعه از فرد یا گروهی (چه نهضت و چه غیر نهضت) سلب باشد هرگونه حمله و ایراد در حکم غیبت محسوب میشود . غیبتی که قرآن تشبیه به جویدن و ارتزاق از گوشت برادر کشته مینماید .

حال آیا حزب جمهوری با انتشار آن مقالات و اتکاء به این قماش افراد خدمت به انقلاب و به اسلام و جمهوری مینماید و میخواهد با پائین آوردن و سیاه کردن پایه‌گذاران و پرسیاقه‌ترین افراد مبارزه و انقلاب ، موسسین خود و تازه واردان را بالا ببرد و روسفید کند ؟

مگر حزب جمهوری اسلامی در " مواضع ما " اعلام نکرده است که " جامعه تک حزبی نیست و احزاب و سازمانها و گروههایی که برآستی مسلمان‌اند با هم

رابطه برادرانه و مثبت و سازنده دارند ، نه رقابتهای خصمانه که برادری و وحدت امت را برهم میزند و رشک و کینه‌توزی را بجای آن مینشانند؟ "آیا در عمل هم چنین است و این روشها آنها در مرکز حزب مشمول " رسوبات اخلاقی نامطلوب که متناسفانه در جامعه ما وجود دارد و باید همواره با آن درستیر بود " میباشد؟

مگر شما در همان "مواضع ما" اعلام نکرده‌اید که "نشر دروغ و تهمت و افترا و شایعه نیز گناه و ممنوع است و درخور کیفر و باید طبق ضوابط قانونی ار آن جلوگیری شود " ؟

* * *

اصلا لیبرال گفتن بما و بکار بردن اصطلاح واتهامی که اولین بار حرب توده خط آنرا داده و شخص منافقی در روزنامه کیهان دامن زده بود چه معنی دارد ؟ صرفنظر از اینکه لیبرالیسم و ناسیونالیسم (یا ملی‌گرایی که غیر از ملی بودن و ملیون است و هرکدام از آنها دهها مفهوم و مورد داشته و هیچیک الراما مترادف و منادی شرک بخدا و رهائی از قانون و اخلاق نیست) جز از طریق هوجبگری ، قابل تطبیق با کسانی نمیتواند باشد که در مسجد و کلاس و کتاب و اعلامیه‌ها ایراد بهمه " ایسم‌ها " داشته اشات نارسائی آنها و نفی از خود کرده‌اند . کسانیکه برای اولین بار در ایران - و شاید در کشورهای مسلمان - بطور علمی استخراج ایدئولوژی و نظام حکومتی از قرآن و اسلام کرده مرامهای شرق و غرب اروپا و آمریکا را در قالب واحد " دنیاپرستی " جمع زده‌اند . یا علیه هرگونه التقاط و تقلید و با " آفات توحید " مبارزه کرده مدافع محکم اصالت اسلام و " بارگشت بقرآن " بوده‌اند . مگر مرحوم طالقانی و دکتر سبحانی و مهندس کتیرائی و بنده با خود شما و شهید مطهری و دکتر شبانی و فهیم و آن فرد منافق ، بنا به پیشنهاد آقای احمد زاده یک هیئت مخفی در سالهای ۵۳ و ۵۴ برای تدوین جهان‌بینی اسلامی تشکیل نداده شش هفت ماهی کار جدی نکردیم که حمله ساواک در مشهد بخانه‌ای که فیشهای آن

کار نگاهداری شده بود برنامه را متفرق کرد ؟ مجددا در سال ۵۵ در یک افطار نهضتی وانجمن اسلامی مهندسين نبود که تازه از زندان خلاص شده بودید و من ار جنابعالی با اصرار خواهش کردم با فرصتی که دارید و با یادداشت‌های موجود آن جهان بینی را تمام کنید ؟

حال آیا باید در حزب اجازه داده شود که مداحان حرفه‌ای رطب و یابی بهم بافته بطور ضمنی سوابق انقلاب و خدمات خودتان و دوستان راسیاه کنند ؟

* * *

نظیر چنین گفتارها و کردارها - وبدتر از آنها - در همه انقلابهای دنیا وجود داشته وگفته‌اند که انقلاب فرزندان خود را میخورد . در انقلاب کبیر فرانسه ، در انقلاب اکتبر روسیه ، در چین و در جاهای دیگر حتی در الجزایر و غالبا دیده شده است که بیش از ضدانقلاب خود انقلابیها با رقابت برسر قدرت و بیپناه اصالت مکتب چه طرد و کشتارها از قبلیها و خودیها کرده تعویض و تصفیه ها بعمل آورده‌اند ، مثلا در شوروی خصوصا زمان استالین . اما آیا انقلاب ما هم که انقلاب اسلامی است باید چنین باشد ؟ آیا در ایران شیعه بعد از چهارده قرن تفهیم و توسعه باید تجربه تلخ بنی‌امیه و بنی‌عباس با قربانی شدن ابودرها و عمار یاسرها و حجر بن عدی ها و مخصوصا اهل بیت عصمت و طهارت تکرار شود ؟ در مساجد و مدارس و جمعه های جمهوری اسلامی ایران آیا باید سب و لعن های اموی اجرا گردد ؟ البته در مکتب مارکس و انقلابهای دیالکتیکی تز و آنتی تز هستی هر مولود وابسته به نیستی والد است و طبیعی خواهد بود که چنین سرنوشت شامل هر "والد و ماولد" بشود .

در خاتمه لازم است عرض کنم که ما ناراحتی و اعتراض باینکه روزنامه یا محیط حزب جمهوری اسلامی نظریات مخالف داشته انتقاد و ایراد بما و بهر گروه و مکتب دیگر بگیرد نداریم . این را هم نمیگوئیم که نهضت آزادی با حزب شما ، با تندروی‌ها و با افکار راج و کارهایی که میشود اختلاف نظر نداریم

و نباید کننده چشم و گوش بسته هرجریان هستیم . اعتراض ما به اظهارات ناحق و مغرضانه و اتهامات ظالمانه است و به انحصارگری و یکطرفه بودن آزادی زبان و قلم و عقیده . والا از اظهار نظر آزاد و از اختلاف و انتقاد استقبال نموده سرکوبی آزادی و محرومیت یک جامعه یا مکتب را از مواجهه با عقاید و آراء مختلف و مخالف باعث رکود و خاموشی و خرابی آنها میدانیم ، بفرموده بیغیرمان اختلاف امتی رحمه .

همه حرف و دعوی ما برسر آزادی در همان حدود قانون اساسی است . حال آیا حزب محترم جمهوری طرفدار اختناق سایرین و انحصار برای خود و معتقد به عصمت و علم مطلق برای اعضاء خویش ولو کلاهی ها ، کشمیری ها و فخار کرمانی های دیگر که هنوز دستشان رو نشده است میباشد ؟ وجود اختلاف و انتقاد را ولو در چارچوب قانون اساسی الحاد و خیانت تلقی مینماید ؟ فکر نمیکند که بدون آزادی عقیده و بیان و اجتماع مصونیت کشور و انقلاب را استیاء و انحراف و از فساد و ظلم و دیکتاتوری محال است ؟

با بودن آزادی و برابری گروههای قانونی عدالت اجتماعی ، امنیت قضائی و مهمتر از همه فریضه حیاتی امر بمعروف و نهی از منکر تعطیل نخواهد شد و فرمایش رسول اکرم تحقق نخواهد یافت که لن تقدس امهلا یؤخذ فیها حق الضعیف من القوی غیرممتنع ؟

همچنین است در دنیای افکار و علوم و اقتصاد که اگر آزادی فکر و تحقیق و تالیف و اجاره تغییر و ابتکار وجود نداشته باشد ابواب اصلاح و اکتشاف و اختراع بسته میشود و جامعه به خودجوشی و خودکفائی و استقلال نخواهد رسید .

از نظر سیاسی و حکومتی نیز بخوبی میدانید که اصل مشورت و سنتی که هم بیغیر بزرگوارمان در اداره امت حتی با ناجورترین افراد رعایت میفرمود و هم توصیه‌ای است که بخود امت در امور عمومی و اجرائی فیما بین شده است تا آنجا در حکومت علی پیش رفته است که اظهار نظر و دلالت و احیانا انتقاد بخودش را وظیفه و غنیمت میداند و بمالک اشتر میفرماید در

اجرای دستورهای من پیش خدا مسئول بوده نباید المامور معذور بگوئی بلکه بسنجی واگر خلاف حکم خدا دیدی عمل نکنی . . .

با این ترتیب چگونه در حزب جمهوری وارگانهای رسمی و غیررسمی آن اجازه داده میشود درباره غیرخودشان و بجرم اختلاف سلیفهای و خطری و روشی هرگونه نسبت ناروا و تهمت به خیانت و جنایت و کفر داده شود و نظریات غیر موافق در حکم الحاد تلقی گردد ؟

باتشکر از عنایتی که فرموده‌اید
والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

مهدی بازرگان

دبیر کل نهضت آزادی ایران

۲۱ تیرماه ۱۳۶۱

نامه سرگشاده

نهضت آزادی ایران

به

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران

با عرض سلام و دعا برای توفیق جنابعالی در راه حق لازم میدانیم اندکی از وقت شریفتان را برای شنیدن کلمه حقی گرفته ، مقداری از مشکلات و مصائبی را که روزانه در میان مردم دیده و میشنویم با شما در میان بگذاریم تا شاید با کوشش همگان روزنه امیدی برای حل مشکلات ملت گشوده شود و ثوابی نصیب شما و ما گردد .

اگر سخن ما را بی پرده می یابید هرگز گمان نبرید این صراحت از بیخبری ما از موقعیت ، مقام و قدرت شما است . نقش شما را در اداره کشور خوبی می بینیم و از اهمیت آن آگاهیم . ولی معتقدیم که اگر علی (ع) امت اسلامی را بگفتن حق و مشورت بعدل بزمامداری چون خودش دعوت میکرد و دلیل این دعوت را بالاتر نبودن خود از ارتکاب خطا (مگر از طریق عصمت) میسرمد (۱) دستگاه حاکم نیز که مدعی برپا ساختن حکومت عدل علی (ع) است ، از شنیدن کلمه حق بی نیاز نمیتواند باشد .

شاید محتاج بتذکر نباشد که گفتن این کلمه از طرف ما من باب وظیفه شرعی و اجتماعی روی دلسوزی برای ایران و اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی بوده قصد تضعیف فرد یا گروه و حمله به شخص یا اشخاصی را نداریم . معتقد نیز نیستیم که انتقاد و امر بمعروف یا بیان نارسائیهها در یک کشور مستقل مستقر و در نظام جمهوری اسلامی باعث تضعیف و تزلزل میگردد ، بلکه یگانه راه

(۱) فلا تکفوا عن مقاله بحق او مشوره بعدل فانی لست فی نفسی بغوق ان اخطی ولا امن ذلک من فعلی - نهج البلاغه

اصلاح و تقویت ویفا است .

شما خود در خطبه دوم نماز جمعه ششم شهریور ماه ضمن تحلیل واقعه شهادت برادران رجائی و باهنر بنقش مردم در سرنوشت حکومت ها اشاره کرده بحق بیان داشتید که " همه قبول دارند اگر مردم با آدم نباشند در یک محیط آزاد نمیشود حکومت کرد و بزور باید حکومت کرد " ولی در قسمت دیگر آن سخنانی بر زبان آورده بهانه بدست بهانه گیران جهت تاخت و تاز بنهضت آزادی ایران دادید . مثلا درباره برخی از سران نهضت گفتید که بدلیل اجتماع مردم در سخنرانیهایشان میگویند اگر آزادی باشد استقبال مردم از ما ثابت میشود ولی " اینها با انسان های ناراضی رابطه دارند ، خانمشان ناراضی است خاله شان ناراضی است ، مثلا قوم و خویششان ناراضی اند و خب اینها با اینها زندگی میکنند و فکر میکنند که مجموعه مردم اینجا هستند و آراء مردم را از اینجا میخواهند در بیاورند و دقیقا اینطور آمارگیری میکنند " .

صرف نظر از ساده نگری قضایا و تحقیر افکار و اشخاص ، حمله به نهضت آزادی ایران چیز تازه ای نیست ، لیس هذه اول قارورة کسرت فی الاسلام . ما نیز قصد نداریم بدفاع از خود وادعا یا اثبات محبوبیت و مقبولیت بپردازیم بلکه نکته ای را جنابعالی در خطبه آنروز مطرح فرمودید که از اهم مسائل یک جامعه اسلامی آزاد و محک حکومت های مردمی است . یعنی اقبال مردم بیک شخص ، بیک گروه یا اندیشه . ما هم روی همین موضوع میخواهیم صحبت کنیم و سپس آنچه ارزش و ضرورت دارد ، بحث را روی علل و عوامل اقبال مردم و رضایت یا نارضایتی و انتظارات آنها ببریم .

هر دولت و هر صاحب مقام متعهد و متصدی مسلمان که احساس مسئولیت در برابر خدا و خلق بنماید خود را محتاج به استمرار آزمایش و سنجش افکار عمومی برای اطلاع از درجه اقبال و رضایت مردم نسبت بخود و درباره مخالفین و معترضین می بیند .

در کشورهای که آزادی عقیده و بیان و قلم و اجتماع در چارچوب قانون برقرار بوده و وسائل تاثیر و تبلیغ و تحقیق در انحصار گردانندگان نباشد

آزمایش و سنجش فوق بسهولت و خود بخود انجام میگیرد . علاوه برآن وظیفه امر ب معروف ونهی ازنکر یا انتقاد و اظهار نظر و همچنین همکاریهای فکری و اداری یعنی شکوفائی ملت نامین میگردد . جامعه از جهل و ظلم و فریب پاک میشود اما در صورت عکس و در محیطی که آزادیهای قانونی و عدالت تبلیغاتی وجود نداشته درهای احزاب و گروههای قانونی ولی غیر موافق را ببندند و تصرف یا حمله نمایند و افراد و طرفداران آنها را مورد اهانت ، آزار و زندان قرار دهند ، بطوریکه فقط وابستگان و مردم مطیع حق کار و حرف و حیات داشته باشند ، در چنین کشور مقاصد شرعی و قانونی و طبیعی فوق فراهم نخواهد گشت ضمن آنکه رای گیریهای رسمی ، راه پیمائیهها ، تظاهرات و استتباطهای آماری و هرگونه ادعای پشتیبانی و مشروعیت ارزش و اعتبار خود را از دست میدهد . زیرا که احتمال و اتهام یکطرفگی ، اغوا ، اخذ بحیا ، ارعاب ، تحمیل ، ریا ، تظاهر و بطلان غیر قابل دفاع وانکار میشود .

در چنین شرایط تشخیص درجه تایید و توجه مردم نسبت بمجریان امور و گفته های معترضین و منقدین و همچنین دریافت میزان رضایت و خواسته های آنان ناچار از راههای غیر مستقیم و تلویحی و معکوس انجام میگیرد . مثلاً حمله های مکرر و نسبت های خلاف و خیانت که هربار کذب آنها روشن میشود و همچنین تلاش پیگیر بی علت برای " شکستن بت شخصیت " سران نهضت آیا خود دلیل بر حقانیت و مقبولیت آنان و هراس متولیان از عدم تایید خودشان نمیشد ؟ منفور و مطرود ساختن گروهی که بقول مدعیان عده و عدهای ندارند و هیچگاه در یوزگی قدرت نکرده داوطلبانه کنار رفته اند چه هدفی میتواند داشته باشد ؟ گروهی که داعیه و دشمنی با کسی ندارند و مخالف وفادار و مدافع انقلاب و اسلام و ایران بوده از قدیمترین و اصیلترین مبارزین و بنیانگزاران انقلاب و سالکان راه خدا هستند و در هر فرصت و رهگذر بیش از حدود امکان و انتظار مورد مراجعه و اجابت و علاقه مردم قرار گرفته و میگیرند . اگر دستگاهی اطمینان بحقانیت و مقبولیت خود داشته باشد آیا اینچنین جلوی قدم و قلم و حتی جوابهای مشروع جمعیت قانونی و انتشار مجله آنها را

میگیرد؟ آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است؟ و آنکس که حق را در طرف خود دارد هیچگاه بینه و برهان را کنار گذارده متوسل به فحش و زور و آزار میشود؟ مگر پنج سطر جوابیه، پنج تا آدم بی اسلحه یا پنج جمله انتقاد و اعتراض، در صف انبوه سی و شش میلیونی امت و میلیون میلیون بودجه تبلیغات یکطرفه چه وزن و زبان میتواند داشته باشد؟

شما خودتان هستید که منطما ما را مطرح و موضوع روز کرده شهرت و مطلوبیت و محبوبیت... و مسئولیت برایمان میسازید.

مردم با مراجعه و نامه و تلفن و اشاره و مکالمه - تا آنجا که در این جو ترس و هیجان امکان پذیر باشد - سراغ ما می آیند. باور کنید و خودتان خوب میدانید که خانم و خاله و خانمباجی نیستند. فتودالها، سرمایه داران، ضد انقلابیها، نامسلمانها، شاهیهها، ساواکیها، خلقیهها و بنی صدریهها هم نیستند. و اگر باشند و ما شناسیم اقلیت خیلی ضعیفاند. از کلیه طبقات و قشرها و رنگها و چه بسیار از پائین شهریهها و دست بدنهانهای باصطلاح مستضعف هستند. سراغ ما می آیند که درد دلها و سوزها و نارضائیهایشان را بگویند. چون ازیشت جدارهای تاریک و ضخیم ماشینهای بادپیمای آژیرکش با اسکورت و ژ ۳ صدایشان بگوش آقایان نمیرسد و از ترس پاکسازی یا برجسب ملی گرای، لیبرالی، ضدانقلابی، و طرفداری از منافق محارب صدایشان در نمی آید و امضا پای نوشته ای نمی گذارند.

اما درد دلها و نارضائیههای مردم که بدنبال گوش شنوا و زبان گویا میگردند چیست؟

چه بهتر که مطلب را از قول خودشان و زبان حالشان بگوئیم. میدانید که عامه مردم بیش از آنچه به استدلال و احتجاج یا تشخیص سیاست و حقانیت بپردازند به نتیجه و به محصول نگاه میکنند. شده ها را با وعده ها میسنجند و داده ها را با گرفته ها.

اول سؤال و کلام مردم مملکت و همانها که در انقلاب علاقه و وحدت نشان دادند، این است که گردانندگان و سیاستمداران پس از سه سال و نزدیک

چهار سال غیر از خون و خرابی ، غیر از لبریز شدن زندانها و قبرستانها در همه شهرها ، غیر از صفهای طولانی و کمبود و گرانی ، غیر از بیکاری و بی پولی ، بی خانمانی و شعارهای تکراری و آینده تاریک چه ارمغان برای ما آورده اند؟!*

ما با آنکه همواره به تشریح و تجلیل ارزشهای والای بی همتای ایمان ، ایثار و شهادت و نقش مهم رهبری و تحولاتی که در اثر انقلاب در این سرزمین کهنسال پدید آمده است و همچنین در توضیح اثرات شوم جنگ در ایجاد تنگناها کوشیده ایم ، لازم میدانیم ، بعنوان گروهی شاهد و واسط ، واقعیتها و شکایات مردم را نیز منعکس سازیم .

اما آنها که اهل اطلاع و بحث هستند ، قانون اساسی را پیش میکشند و استناد به مسلمات حقوقی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کرده میبرسند قانون اساسی که مجلس خبرگان آنرا تصویب کرده ، بیش از ۹۹ درصد آراء اخذ شده ملت را آورده و امام آنرا معادل اسلام ، سایه دست فقهای عظام و واجب الرعایه دانسته اند و همچنین اصول تفکیک ناپذیر آن ، چرا معطل و منتفی و منحصر بطبقه خاص شده است ؟ از جمله حقوق ملت ، آزادی نشریات ، مطبوعات ، احزاب ، جمعیت ها ، تشکیل اجتماعات و راهپیمائیهها ، ممنوعیت بازرسی مراسلات و مکالمات ، تجسس و تبعید های غیرقانونی ، داشتن حق انتخاب وکیل در دادگاهها و محاکمات علنی ، استفاده از اصل برائت ، ممنوعیت شکنجه و تعزیر برای گرفتن اقرار و اطلاع (آنطورکه در فصل سوم قانون اساسی آمده است) . اعتراض و ناله دیگرشان از تفتیش عقاید و اختصاص دادن تحصیل و شغل و جیره و حتی ورزش به دستچین شده های خاص است .

• اکثر معترضین به نهضت این پاراگراف را بدون توجه و اشاره به پاراگراف های قبل و بعد آن نقل کرده و مستمسک حملات بما قرار داده اند درحالیکه مطالب پاراگراف های قبل و بعد خود پاسخگوی این حملات هست . این شیوه ما را بیاد مغرضین می آورد که " یحرفون الکلام من مواضعه " می گفتند قرآن دستور داده " لاتقربوا الصلوه " و جمله بعد آن " و انتم سکری " را نادیده می گرفتند !!

بلحاظ دیپلماسی منزوی شدن ایران و برانگیختن وهمگامی دولتها و همسایه ها علیه خودمان را نتیجه سوء سیاست وعدم درایت دست‌اندرکاران دانسته بقرارداد "بتصویب مجلس نرسیده" الجزایر و مقدمات و تبعات آن که منتهی به از دست رفتن ذخائر ارزی وروی کارآمدن ریگان ، سلطه آمریکا و صهیونیسم در اروپا و درمنطقه گردید ، میدانند و قرارداد سخاوتمندانه دومیلیارد دلاری با دولت نظامی - آمریکائی ترکیه و با کره شمالی را مطرح میسازند .

از نظر اقتصادی علت تنگناها و محرومیت ها را میبرسند و از تقلیل فاحش تولید ، ترقی سرسام‌آور واردات ودورافتادن از خودکفائی ، تورم قیمت‌ها و کسری دائم‌التزاید بودجه صحبت میکنند .

در زمینه فرهنگی و تربیت و تخصص بسته ماندن دانشگاهها و فراری دادن مغزها را نمونه می‌آورند .

بلحاظ اجتماعی و ملی بزرگترین ایراد و نگرانشان جو وحشت و ترور یا انتقامهای دوطرفه و ازهم‌گسیختگی ملی ، بعد از یکپارچگی و صمیمیت واعتماد وامید دوران پیروزی انقلاب است و تقسیم جامعه به سه طبقه ممتاز ، متحیر و مطرود ، توأم با ناامیدی ، نادوستی و ناامنی حتی در داخل خانواده ها .

راجع به جنگ تحمیلی که مقصد و مسیری برای آن جز ایستادگی و ایثار و دفاع پیروزمندانه قائل نیستیم ، بحثی نمی‌نمائیم . چون ارتباط با مسائل امنیتی و جنگی و حیاتی کشورمان دارد .

یک دسته دیگر هم از مردم وجود دارد که ما وشما و خیلی ها جزو آن هستیم . اعم از بازاری ، روشنفکر ، روستائی ، روحانی ، اداری وغیره . خواه ملی و خواه مذهبی . یعنی معتقدین و علاقمندان به اسلام ، چه قلبیها و قدیمی ها و چه واردشدگان و اخلاص یافتگان دوران مبارزه و انقلاب . تاسف عمیق این دسته از آن است که در خارج و داخل کشور و در ذهن و ضمیر بسیاری از مسلمانان ، برخلاف جریان درخشان آستانه انقلاب ، یک دلمردگی ووازدگی نسبت به دین وایمان پدیدار گشته می‌بینند که از اسلام عزیز محبوب که منادی

و مجری انسانیت و عدالت و علم و طهارت است چهره خصمانه هولناک جلوه‌گر ساخته‌اند جای حیات و نعمت و رافت و روشنائی، تحجر و خشونت و خصومت آشکار است. می‌پرسند که حسن خلق محمدی و عدل علی کجا و اعدامهای آب‌خوردنی و انحصارگری کجا!

البته مدافعینی هستند که افتخار میکنند حجاب همه جایی شده، نماز و روزه و جمعه عمومیت یافته و مظاهر کفر و گناه از ایران انقلابی رخت برسته است. درست، اما آیا عبادت و اطاعت ظاهری و اجباری یک پول پیش خدا ارزش دارد؟ و آن چیزی که پیش خدا ارزش نداشت آیا در کار دنیا خاصیت و بقا میتواند داشته باشد؟ خدائی که گفته است لا اکره فی الدین و حامی آدم و دوستاندگانش بوده خواسته است آنها هم داوطلبانه و عارفانه و عاشقانه بدرگاهش رویاورند. آیا زورش و عقلش نمیرسید که از پیغمبران بخواهد دینش را تحمیل کنند؟ کارها و کاسه‌های گرمتر از آتش است که دل‌ها را پژمرده و دماغها را خفته می‌سازد بندگان را از خدا برمیگرداند! و مردم را نسبت به اسلام و انقلاب و روحانیت بدبین مینماید.

صرف‌نظر از پیمان و دینی که به‌موطنان و ایران داریم و پیامشان را رساندیم اعتقاد و عشق خودمان به اسلام و عبودیت‌مان بخدای لایزال نیز ما را متأثر و متعهد ساخته است که حق را بگوئیم و از حق اسلام دفاع کنیم که فرمود قولوا الحق ولو علی انفسکم.

بگذارید نامه خود را با نیایشی از علی علیه‌السلام پایان دهیم: "خدایا تو خوب میدانی که آنچه از ما سرزده است رقابت برای بدست گرفتن قدرت سیاسی یا جستجوی چیزی از تمتعات و درآمدهای زائد نبوده است، بلکه برای این بود که اصول روشن دینت را بازگردانیم و اصلاح را در کشورت پدید آوریم تا در نتیجه آن بندگان ستم‌دیده‌ات ایمنی یابند و قوانین تعطیل شده‌ات اجرا گردند."

و ما ارید (نرید) الا الاصلاح ما استطعت (ما استطعنا).

نهضت آزادی ایران

۲۵ شریور ماه ۱۳۶۱

نامه سرگشاده

نهضت آزادی ایران

(پیغامون پیام ۸ ماده‌ای امام)

به

رئیس دیوان عالی کشور

بسمه تعالی

حضرت آیتا... موسوی اردبیلی رئیس محترم دیوان عالی کشور

با عرض سلام و آرزوی توفیق برای جنابعالی در راه اجرای عدالت و حکم
یما انزل الله ، صدور پیام اخیر رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی
ما را برآن داشت که با تشکر از مقام رهبری در اجرای کلام الهی " و ذکر
فان الذکری تنفع المومنین " و در راه انجام فریضه امر بمعروف و نهی از منکر
قدمی برداریم .

تذکراتی که در پیام امام در مورد حفظ حقوق و احترام از هتک حرمت مردم
آمده است منبعث از متن شریعت و هم‌آهنگ با فرامین الهی در کتاب و سنت
و قانون اساسی مورد قبول اکثریت قریب بانفاق مردم بوده و پیش از این تاریخ
نیز سخنرانی ها و پیام های گوناگون در این زمینه بگوش مسئولین امور رسیده
است .

همه ما بخاطر داریم که سال ۱۳۶۰ از طرف رهبر انقلاب سال قانون اعلام
شد و همه میدانیم که قانون شکنی ها در این سال باندازه ای بود که حتی خود
مسئولین نیز نتوانستند جز اعتراف بتخطی های چشمگیر چیزی در این باره
بگویند . همچنین دستور اکید امام در مورد رسیدگی بوضع بنیاد مستضعفان
و حیف و میل های احتمالی و ادعائی هنوز در خاطره ها زنده است و با آنکه بیش از
دو سال از تاریخ صدور این دستور میگذرد تاکنون گزارشی قانع کننده و یا پاسخ
کوبنده بسوالات متعدد مردم در این باره منتشر نشده است . کمتر از یکسال
قبل بود که امام موکدا دستور دادند طرف دومه تکلیف همه زندانیان روشن شود
و جنابعالی خود در جریان بوده اید که این دستور بمورد اجرا گذاشته نشد و
بسیاری از زندانیان و خانواده های شان که بدین توصیه و اجرای آن دل بسته



بودند مدتها بعد از انقضای مهلت مقرر در انتظار روشن گشتن وضع خود نشستند و یا چشم باز شدن درهای زندان دوختند .

مسئولین امور ممنوعیت ایذاء ، افتراء ، تجسس و هتك حرمت مومن را در فقه اسلامی آموخته‌اند و در قانون اساسی که اجرای آن را شرعا عهده‌دار شده‌اند خوانده‌اند که :

"تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمیتوان صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد " (اصل بیست و سوم) ، بازرسی و نرساندن نامه ها ، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی ، افشای مخایرات تلگرافی و تلکس ، سانسور ، عدم مخابره و نرساندن آنها ، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر بحکم قانون " (اصل بیست و پنجم)

" هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر بحکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند . در صورت بازداشت ، موضوع اتهام باید با ذکر دلائل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه ، در اسرع وقت فراهم گردد . متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود . " (اصل سی و دوم)

" اصل براءت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود ، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد " (اصل سی و هفتم) هتك حرمت و حیثیت کسی که بحکم قانون دستگیر ، بازداشت ، زندانی یا تبعید شده بهر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است . " (اصل سی و نهم)

حال چه شده است که پس از بیست و پنج ماه از تصویب قانون اساسی رهبر عالیقدر انقلاب ناچارند فریاد زنند :

" هیچکس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعی باید باشد توقیف کند یا احضار نماید ، هر چند مدت توقیف

کم باشد . توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است . هیچکس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی ، بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا بنام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یانسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی - اسلامی مرتکب شود یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری بنام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد ، شنود بگذارد و یادنیال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیرنماید و یادنیال اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند . تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشاء و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی است و بعضی از آنها موجب حد شرعی میباشد . "

بی شک مسئولین امور نمیتوانند عدم اطلاع از حکم شرعی و قانون اساسی را علت عدم اقدام خود در گذشته قلمداد کنند . ما از مسئولین قوه قضائیه می پرسیم اگر امام چنین پیامی نمی فرستادند آیا شما خود از وقوع جرم ، حکم و مجازات مجرم آگاه نبودید و خود را موظف با اقدامی نمیدیدید ؟
آیا اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی صراحتا اعلام نموده است که :

" قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظائف زیر است :

- ۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات ، تعدیات ، شکایات ، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین میکند .
- ۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع .
- ۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین .

۴ - کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام .

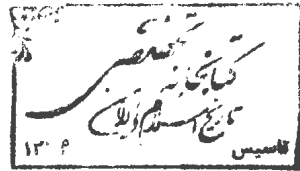
۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین .
در هر حال ما امیدواریم صدور این پیام انگیزه‌ای برای اجرای حکم خدا و قانون اساسی باشد و فصلی جدید در تاریخ جمهوری نوپای ما بگشاید مشروط بآنکه در مسیر اطلاعیه ها ، قطعنامه ها ، خطبه ها و سمینار ها و بهره‌برداری - های سیاسی از تاب و توان نیفتد .

نهضت آزادی ایران ضمن پشتیبانی از پیام امام در اجرای قانون اساسی و عدالت از قوه قضائیه انتظار دارد که با اقدام سریع در اجرای قانون و مجازات متخلفین بمردم نشان دهد که اجازه نخواهد داد این پیام به سرنوشت برخی پیامهای گذشته دچار شود و با اقدام خود امید با اجرای قانون و عدالت و تامین امنیت در جامعه را در دلها نگهدارد .

ربنا لاتواخذنا ان نسينا او اخطانا

نهضت آزادی ایران

۲۹ آذرماه ۱۳۶۱



برخی از نشریاتی که اخیراً منتشر شده و در دسترس میباشند

۱- بررسی قانون اراضی شهری

در این مجموعه به بررسی مسئله و قانون اراضی شهری بعد از پیروزی انقلاب و بعد از آن پرداخته و مسیر تدوین قانون آنرا کاملاً بیان نموده است. این کتاب در ۸۰ صفحه و به قیمت ۵۰ ریال توسط نهضت آزادی ایران منتشر شده است.

۲- نگاهی به اوضاع لبنان

مجموعه‌ای است شامل سه تحلیل در باره اوضاع لبنان که تحت عناوین فاجعه لبنان و فاجعه تبعه و یورش اسرائیل به جنوب لبنان که در سالهای ۵۶ و ۵۷ تهیه و در نشریه پیام مجاهد ارگان نهضت آزادی ایران خارج کشور به چاپ رسیده است. این تحلیلها خوانندگان را به درک بسیاری از واقعیت‌های مربوط به فلسطین، شیعیان لبنان و جنگ لبنان واهدافی که امپریالیستها، صهیونیست‌ها و فالانژیست‌ها در لبنان و منطقه دنبال می کنند واقف می سازد.

این کتاب در ۸۴ صفحه و به قیمت ۸۰ ریال توسط نهضت آزادی ایران منتشر شده است.

۳- بازیابی ارزشها جلد ۱- بقلم مهندس مهدی بازرگان

این کتاب شامل ۵ مقاله سیمای اسلام- التقاط- دین و آزادی بیگانه پرستی و انقلاب و انقلابی است.

در ۱۶۰ صفحه و به قیمت ۱۰۰ ریال منتشر شده است.

۴- **بازیابی ارزشها جلد ۲** - بقلم مهندس مهدی بازرگان
این کتاب در ادامه جلد اول از بازیابی ارزشهایی شامل ۷ مقاله
میباشد: وحدت، ملیت، اسلامیت، انقلاب، علم و عقل، تقوی و تفضل،
کرامت انسانی، عفو و احسان، امید و انتظار و بالاخره رستاخیز بعد از ۲۵۰۰
سال.

در ۲۳۰ صفحه و به قیمت ۱۸۰ ریال منتشر شده است.

۵- **یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران**

در اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ نهضت آزادی ایران وارد بیستمین سال
فعالیتها و مبارزات خود شد. و بدین مناسبت نشریه ای تحت عنوان یادنامه
بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران منتشر ساخت و بعلت استقبال مردم
مجدداً به چاپ رسید. این نشریه گوشه کوچکی از تاریخ معاصر ایران را در
دسترس عموم قرار میدهد.

۱۳۷ صفحه ۱۵۰ ریال

۶- **شانزده آذر** بقلم سردار رشید اسلام دکتر مصطفی چمران

مبارزات و کشتار دانشجویان دانشگاه تهران بعد از کودتای ننگین
۲۸ مرداد و حماسه شانزدهم آذر ۱۳۳۲ یکی از صفحات درخشان جریان بهم
پیوسته مبارزات مستمر ملت مظلوم ایران میباشد. گزارش دقیق این حماسه
پرشور برای اولین بار توسط برادر شهیدمان دکتر مصطفی چمران با همکاری
برادرمان دکتر ابراهیم یزدی در سال ۴۱ تنظیم و در نشریه شانزدهم آذر خارج
از کشور منتشر شد. نهضت آزادی ایران بمناسبت سالگرد حماسه ۱۶ آذر این
مجموعه را تجدید چاپ نموده است.

۲۴ صفحه ۴۰ ریال از انتشارات نهضت آزادی ایران

۷- **گزارشی از لب‌نمان** نامه دکتر مصطفی چمران به مهندس بازرگان از

انتشارات شرکت سهامی انتشار

متن نامه‌ای است مفصل که پس از وقایع تل زعتر در بیروت برادر

شهیدمان دکتر مصطفی چمران برای استادش آقای مهندس بازرگان ارسال داشته است. و به بسیاری از سؤالات و علل شکست‌ها و ناکامیها و تفرقه‌ها و سکوتها و آدم دزدیها پاسخ می‌دهد.
۴۷ صفحه ۴۰ ریال

۸- زندگینامه سردار رشید اسلام شهید دکتر مصطفی چمران

۴۳ صفحه ۵۰ ریال از انتشارات نهضت آزادی ایران

۹- شورای انقلاب و دولت موقت

در این مجموعه دو نشریه شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان و دولت موقت در پنج سند و همچنین نامه سرگشاده آقای مهندس بازرگان به عنوان رهبر انقلاب در تاریخ ۵۹/۵/۶ یکجا منتشر شده است.

۸۰ صفحه ۸۰ ریال از انتشارات نهضت آزادی ایران

۱۰- تحلیلی درباره بازرگانی خارجی

نهضت آزادی ایران در این جزوه به نقد و بررسی بازرگانی خارجی از دید قانون اساسی پرداخته است.

۳۰ صفحه ۳۵ ریال از انتشارات نهضت آزادی ایران

برای تهیه این کتابها و دیگر نشریات ما می‌توانید وجه را به حساب ۱۱۵۹۹ بانک ملی شعبه مبارزان واريز کرده ورسيد آنرا همراه با اسم نشریات در خواستی به آدرس زیر بفرستید.

تهران خیابان استاد مطهری- نرسیده به چهارراه مبارزان

پلاک ۲۳۴ و یا صندوق پستی ۴۱/۱۵۱۹